

اوسید

د امریکانڅه

\$1.50

مخبرنامه مردم افغانستان

شماره سیزدهم / سال ۲۳ / چهارشنبه ۲۸ عقرب ۱۳۹۳ / ۲۷ محرم الحرام ۱۴۳۵ / ۱۹ نومبر ۲۰۱۴ / شماره مسلسل ۹۸۶

به روزگار سلامت ، شکستگان دریاب

که جبر خاطر مسکین بلا بگرداند

چو سائل از تو به زاری طلب کند چیزی

بده ، و گر نه ستمگر به زور بستاند

از گلستان شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی (رح)

جنرال دوستم : به داد طالبان می رسیم

۱۸ نومبر / کابل - تلویزیون نور: حوالی ساعت ۳۰/۶ صبح روزسه شنبه، حمله انتحاری، درمریوطات حوزه نهم امنیتی شهر کابل، در ساحه دسیپجری درمسیر جاده کابل- جلال آبادحوزه دوفرا گرفت. هدف مهاجم یک قرارگاه نیروهای خارجی بود.سختگوی فرماندهی پلیس کابل میگویددرین رویداد دومحافظ این کمپ شهید ویکفر دیگرزخمی شد که هردوشهروندان کابل اند .



جنرال دوستم حین صحبت باخبرنگاران درمحل حادثه

جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری میگویدحکومت به زودترین فرصت به دادهراس افغانان میرسد. آقای دوستم که درمحل رویداد انتحاری امروزسخن میگفت افزود: مکان های سازماندهی گروه های مخالف مسلح برایش معلوم است وبعذابتشکیل کابینه حکومت وحدت ملی لانه های دهشت افغانان راازین خواهد برد. او گفت در روزهای نزدیک بخشی از کابینه به شورای ملی معرفی خواهد شد.ذیح الله مجاهدسختگوی طالبان گفته که این حمله ازسوی یک فردمربوط به این گروه صورت گرفته وتلفات سنگین به نیروهای خارجی وارد کرده است: ادعایی که ازسوی مسئولان امنیتی رد شد .

حمله انتحاری ها بر گرین ولیج کابل

۱۹نومبر/ کابل- بی بی سی: چهارانتحاری در کابل حمله کردند وهدف حمله منطقه به شدت محافظت شده موسوم به گرین ولیج که در آن شهروندان غیر نظامی غربی زندگی میکنند، بود. جنرال ایوب سالنگی معاون وزارت داخله گفته مهاجمان پس ازحمله به گرین ولیج با نیروهای امنیتی درگیر شده و همه مهاجمان کشته شدند.

امنیت این منطقه رانبروهای خارجی وافغان بصورت مشترک تامین میکنند. ناتوگفت ازحمله درین منطقه آگاه است اما جزئیات بیشتر ارائه نکرده است. حمله درساعت ۳۰/۸ شب رخ دادوبه کسی ازغیرنظامیان آسیبی نرسید، اما از تلفات احتمالی دراقامتگاه گرین ولیج اطلاعی در دست نیست.هارون نجفی زاده خبرنگاری بی بی سی در کابل میگویدپس ازین حمله تدابیر امنیتی دربخشهای ازشهر تشدیدشده وحدود یکساعت صدای تیراندازی در شهر شنیده می شد. منطقه گرین ولیج دراکتوبرپارسال نیز هدف حمله قرار گرفت که در نتیجه ۲ نفر غایب گشته شدند و در سال ۲۰۱۲ نیز یک حمله بر این منطقه جان ۷ محافظ و غیرنظامی راگرفت . این دومین حمله به اقامتگاه شهروندان خارجی در کابل در دوروز گذشته است. روزوشنبه، طالبان مسئولیت یک حمله انتحاری به ساختمان (هارت)، یک شرکت خدمات امنیتی را به عهده گرفتند. دراین حمله دو محافظ افغان این شرکت و مهاجمان کشته شدند .

فضل الرحمن یک ملای کمیشن کلر است

۱۶نومبر / کابل - نور تی وی: سخنان مولانافضل الرحمن رئیس جمعیت العلمای پاکستان ازدوروز بدینسو سرخط رسانه های کشور شده وسخنانش واکنشهای زیادی رابه همراه داشته است.فضل الهادی مسلمیار رئیس مجلس سنا میگویدمولانا فضل الرحمن یک ملای کمیشن کاراست و همیشه به دستور سازمان استخباراتی پاکستان یعنی آی اس آی فتوا صادر میکند. فضل الرحمن مفتی نیست که درمورد افغانستان فتوا بدهد؛ بلکه او یک ملای سیاسی است. بااین حال، اعضای مجلس سنا درموردسفررئیس جمهوراحمدزی به پاکستان دیدگاههای متفاوت دارند. سناثورعلی اکبر جمشیدی، سفر رئیس جمهوربه پاکستان رای پشیمته توصیف میکندو میگوید این سفر نتایج مثبتی در پی خواهد داشت. اما محمدامین صافی عضو دیگر مجلس سنا میگویداین سفر رئیس جمهوربه پاکستان بدون هیچ دستاوردی خواهد بود. با اینهمه اعضای مجلس سنا ازرئیس جمهور میخواهند که به زودترین فرصت کابینه جدید را معرفی کند و به وضعیت سر پرستی در وزارت خانه ها پایان دهد .

(دنباله ازستون اول) کرده باشد گفته نمیتوانم. همه اطراف بادبواریهای باغ احاطه شده، یک دروازه آهنی درمحل موجوداست که قفل آن ساهاست باز نشده مگراینکه تروریستان پس از باز کردن این دروازه، قفل بسته را (ستون ۳)

افغان مینی مارکیت عرضه کننده انواع مواد خوراکی و طبی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشهای تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با Western Union 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

بحث بر مقابله با دشواری های امنیتی

۱۹ نومبر / کابل - باخترن:داکتر عبدالله رئیس اجرائیه به سلسله دیدارهایش باجنرال کمپبل قوماندان قوای ناتو درافغانستان امروز در قصر سپیدار دیدار نمود. درین ملاقات وضعیت امنیتی کشور آمادگی نیروهای مسلح افغانستان و همکاری با قوای ناتو در مقابله با دشواری های امنیتی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

ناکامی ماین گذاری طالبان در یک مکتب

۲۰نومبر/قندهار- باخترن: طرح طالبان برای آماج قرار دادن دانش آموزان مکتب در قندهار دیروز توسط نیروهای امنیتی ناکام شد. یک مسئول نیروهای امنیتی قندهار گفت آنها موفق به کشف یک ماین از برابر در ورودی مکتب رئیس رازق در ولسوالی سپین بولدک شده اند. طالبان میخواستند رویداد خونین تروریستی را برای دانش آموزان این مکتب شکل دهند اما موفق نه شدند. این مکتب یکی از پردانش آموزترین مکتبها در ولسوالی سپین بولدک است. سختگوی والی قندهار گفت این ماین حوالی چاشت روز گذشته دقایقی قبل از رفت و آمده ها دانش آموز ازسوی نیروهای امنیتی کشف شده است. او طالبان مسلح را مسئول این ماین گذاری خواند و گفت که تلاش ها برای شناسایی و گرفتاری عاملان این سوء قصد ناکام تروریستی آغاز شده است.

حمله طالبان بردانش آموزان مکتب در کنر

۲۰نومبر/ اسعد آباد- باخترن: در اثر حمله را کتی طالبان در ولایت کنر یک دانش آموز مکتب کشته و پنج تن بشمول دودانش آموز زخمی شدند. آنان با بمباران امروز در شهر اسعد آباد مرکز این ولایت سوار بر یک مو تر بودند که آماج حمله را کتی طالبان قرار گرفتند. جنرال عبدالجیب سیدخیل مسئول پلیس، طالبان رامسئول حمله خواند و گفت تلاشها برای شناسایی و گرفتاری عاملان این رویداد مرگبار آغاز شده است. تا کنون طالبان مسئولیت این رویداد را بدوش نگرفته اند. دا کنران در یک مرکز درمانی اسعد آباد، وضع صحنی دوزخیی را نگران کننده خواندند. انتقاد مجلس نمایندگان از سفر احمدزی به پاکستان ۱۵نومبر/ کابل - نور تی وی: رئیس جمهور احمدزی درراس یک هیئت بلند پایه حکومتی روز گذشته برای تامین صلح دایمی در کشور وارد پاکستان شد. همزمان با آن مولانا فضل الرحمن رئیس جمعیت علمای پاکستان گفت تازمانیکه خارجی ها در افغانستان حضور دارند جنگ در افغانستان ادامه دارد. ازسویی هم اعضای مجلس نمایندگان سخنان اخیر مولانا فضل الرحمن را در مورد افغانستان رد میکنند ومی گویندشورای علمای افغانستان نیز در مورد گفته های فضل الرحمن موقف روشن بگیرند.

در همین حال شماری از اعضای مجلس نمایندگان از احمدزی به پاکستان انتقاد میکنند. بگفته آنان پاکستان در امر آوردن صلح و ثبات در افغانستان صادق نیست. نمایندگان از رئیس جمهور می خواهند در گام نخست کابینه اش را معرفی کند و بعده سفرهای خارجی بپردازد، و نیز از احمدزی میخواهند به سفرهای خارجی پایان دهد. به باور آنان تازمانیکه کابینه معرفی نشود این سفرها کدنام نتیجه در پی نخواهد داشت. منور شاه بهادری عضو مجلس میگوید: انتقاد شدید من ازسفر رئیس جمهور به پاکستان است که نباید مرفتی میگذاشتی که پاکستانیهای آمد واز طریق تریبون ها صدا میکرد که مشکل ماوافغانستان یکبست و هردوی ما از تروریسم رنج می بریم.

دو آموزگار ربوده شده رها شدند

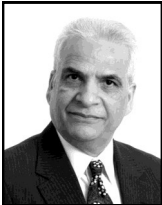
۲۰نومبر/ بادغیس- بی بی سی: مقامهای بادغیس میگویند دو آموزگار ربوده شده درین ولایت رها شدند. افراد مسلح ناشناس شش آموزگار را ربوده بودند. سختگوی والی بادغیس گفت دو آموزگار رها شده و تلاش برای رهایی چهار آموزگار دیگر ادامه دارد. ربوده شدگان آموزگاران مکتب روستای بابک در ولسوالی قادس هستند. هنوز روشن نیست ربایندگان چه کسانی هستند و احتمالا در بدل رهایی این آموزگاران چه می خواهند.

هشدار دوستم به همکاران تروریست ها

۱۸نومبر / کابل - خبرگزاری خدی: جنرال عبدالرشید دوستم، معاون اول ریاست جمهوری میگوید شماری از عوامل دولتی در دستگاه امنیتی واستخباراتی کشور با گروههای تروریستی همکاری میکنند. او به اینعده افراد هشدار داد که هر چه زودتر شناسایی و به پنجه قانون سپرده خواهند شد، همزمان او تاکید کرد اگر عواملی در درون دولت با گروههای تروریستی همکاری نکنند، امکان انتقال محموله های انفجاری در داخل شهرها ممکن نیست. جنرال دوستم این اظهارات را لحظاتی پس انفجار در منطقه پلچرخي در حضور رسانه ها بیان کرد. او گفت صبح امروز زمانیکه ورزش میکرد صدای انفجار نیرومندی را شنید و سپس خود را به محل حادثه رساند. جنرال دوستم میگوید حمله امروز بسیار پیچیده است و هنوز معلوم نیست که این مو تر بمب گذاری شده چگونه به محل منتقل شده است. او گفت: هیچ راه مو تر درین منطقه نیست اگر با هلیکوپتر دیسانت (ستون ۲)

بیجه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent: Afzal Nasiri, Agent 8704 Sudley Road Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت حیات، تجارت



تشدید تلاش ها به خاطر شمولیت هرات در فهرست میراث های جهانی

۱۸نومبر / هرات - باخترن: وزارت اطلاعات و فرهنگ میخواهد روند شمولیت هرات در فهرست میراث های جهانی را سرعت بخشد. معین فرهنگی انوزارت که به ولایت هرات سفر نموده، دردیدار باسید فضل الله وحیدی والی هرات ضمن بیان این مطلب گفت: با تحقق خواست های یونسکو ولایت هرات شامل فهرست میراثهای فرهنگی میگردد. سید مصدق خلیلی معین فرهنگی درین دیدار برخی نگرانی های آن وزارت در راستای اعمار ساختمانهای خودسر در شهر قدیم و اطراف بناهای تاریخی که منجر به تاخیر شمولیت هرات در لیست میراث های جهانی شده، رامطرح ساخت وخواهان جدیت مسئولان درین زمینه شد.

خلیلی میگوید: در صورت جلوگیری از ساخت وساز منازل رهاشی خودسر و بلند منزل در ساحات تاریخی و تحقق خواستهای یونسکو، ولایت هرات شامل فهرست میراث های فرهنگی میشود. او گفت: از چندین سال بدینسو تلاشها به خاطر شمولیت هرات در فهرست میراث های فرهنگی جریان دارد ولی در سال های اخیر این روند شدت یافته است . به گفته خلیلی، اگر ولایت هرات شامل فهرست میراثهای فرهنگی شود، به مرکز توریستی کشور و منطقه مبدل میشود. وحیدی نیز تاکید بر جلوگیری از ساخت وساز خود های سرخصوص در اطراف منارها و مجموعه مصلی و شهر قدیم گفت : اداره محلی هرات به هیچ کس اجازه نمیدهد تا درین ساحات بصورت خودسر و بدون مجوز ساختمانهای غیرقانونی بسازد. پالیسی اداره محلی اینست تا به حمایت خود از طرحهای فرهنگی ادامه دهد، تا ولایت هرات شامل فهرست میراثهای فرهنگی شود. مقام ولایت در زمینه جلوگیری از ساخت وساز خودسر بسیار جدی است و درین راستا با متخلفان برخورد خواهد کرد.

آریا رثوفیان رئیس عمومی اطلاعات و فرهنگ نیز همکاری ولایت در بخش جلوگیری از ساخت وسازهای غیرقانونی و حمایت از طرح های فرهنگی را قابل قدر خواند.

زنان پنجشیر صاحب کتابخانه مجهز با کمپیوتر شدند

۱۶نومبر/ بازارک - باخترن: زنان ولایت پنجشیر برای نخستین بار صاحب یک کتابخانه و یک مرکز کمپیوتری مجهز با انترنت شدند. این کتابخانه توسط موسسه ابتکار آزاد مدنی برای صلح ایجاد گردید و قرار است فردا به گونه رسمی افتتاح شود . جاوید محتاط مسئول این موسسه امروز گفت این کتابخانه ویژه زنان ولایت پنجشیر بوده و مجهز به کمپیوتر و خدمات انترتی می باشد .

بسال المان ۲۵۰ میلیون یورو کمک میکند

۱۸نومبر / کابل - نور تی وی: آلمان سال آینده ۲۵۰ میلیون یورو به افغانستان کمک میکند. داکتر عبدالله رئیس اجرایی حکومت در دیدار باوزیرانکشاف و همکاریهای اقتصادی آلمان، ازین کمک ابراز قدردانی کرد و گفت آلمان در سیزده سال گذشته خدمات ارزنده را در عرصه های مختلف به ویژه امنیت و باسازی کشور انجام داده است. (گرد میولر) وزیر انکشاف و همکاری های اقتصادی آلمان، درین دیدار گفت آلمان فصل تازه از همکاریهای خود را در افغانستان آغاز می کند.

آغاز کار بر مسوده موافقتنامه راه لاجورد

۱۷نومبر / کابل - نور تی وی: وزارت امور خارجه از آغاز کار روی مسوده موافقتنامه راه لاجورد خبر داد. بر اساس طرح راه لاجورد، افغانستان از طریق ترکمنستان، آذربایجان و گرجستان از بحیره سیاه، و بعد از آن از راه ترکیه به بحیره مدیترانه وصل خواهد شد، و به این ترتیب، میتواند روابط تجارتي خود را با اروپا ایجاد کند. شکیب مستغنی سختگوی وزارت خارجه گفت این راه ترانزیتی برای افغانستان کوتاه و ارزان ترین راه به شمار میرود. بقول اونما اینده های کشورهاییکه در مسیر راه لاجورد قرار دارند، در جلسه بعدی شان روی سایر مسایل مربوط به این موافقتنامه بحث و مذاکره میکنند. نشستهای بعدی گروپ تخنیکي این برنامه، در آینده نزدیک برگزار میشود که برای میزبانی آن گرجستان و ترکیه ابراز آمادگی کرده اند و در آن نشست، روی متن موافقتنامه کاریشتر صورت خواهد گرفت .

در انفجار ماین مقناطیسی بیست تن زخمی شدند

۱۸نومبر / بغلان - تلویزیون نور: در پی انفجار یک ماین مقناطیسی در میدان بزکشی ولسوالی بغلان مرکزی ولایت بغلان، نزدیک به ۲۰ نفر زخمی شدند. حادثه حوالی ساعت ۵ عصر امروز روی داد. یک منبع گفت رویداد ناشی از انفجار ماینی بود که ازسوی یک باشنده بغلان، در میدان بزکشی جا سازی میشد. ماین گذار و پدرش نیز زخمی شده و ازسوی پلیس بازداشت شده اند. (دنباله از ستون ۲) از پاکستان آورده باشند و دوستم میگوید به تمامی مسئولان امنیتی وظیفه داده است که در مورد این انفجار تحقیق کنند و محتوای تحقیق را به شورای امنیت ملی بفرستند .

WORLDWIDE TRAVEL INC.	
CHEAP AIR FARES TO KABUL FROM ALL U.S. CITIES DUBAI EUROPE PAKISTAN	MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS 866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT	
AF Insurance Group (703) 348-6247 13044 Fair Lakes Shopping Center Fairfax Virginia 22033 abdulfitrat@allstate.com We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.	Allstate You're in good hands. Auto Home Life Retirement
Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE. Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.	

عبدالودود ظفري
هفته نامهٔ امید
جنگ سری آمریکا درافغانستان ۱۹۷۹–۱۹۸۹
پیش از تقدیم بخش پنجم، لازم میدانم برای نظر مؤلف(اگر بکنفر در شکست دادن اتحادشوروی و حزب دمو کراتیک افغانستان مشخص گردد، آن شخص جنرال ضیاءالحق میباشد)، تبصره ننمایم .

دائر جهاد ده سالهٔ مردم افغانستان و قربانی بیش از یک و نیم ملیون انسان و معلولیت هزاران دیگر، شوروی به زانو آمد، وبه چندین کشور تجزیه گردید. جنگ سرد ختم شد، دیوار برلین فرو ریخت، اتحاد دوبارهٔ آلمان تحقق پیدا کرد و تهدید جنگ اتومی کاهش یافت.بعضی ها که بانادیده گرفتن آنهمه جانبازی هاو قربانی های مردم افغانستان، افتخارشکست اتحادشوروی رابه جنرال ضیاء الحق میبخشند، قدر ناشناسی و جفا ی عظیم به مردم افغانستان میباشد. نقش جنرال ضیارا نمیتوان نادیده گرفت، ولی اودر بدل ملیاردهادالر کمک نظامی واقتصادی حاضر شد موقت ضدشوروی بگیرد، از جهاد ومجاهدین حمایت کند. جنرال ضیابالاین عمل خود با خون مردم افغانستان، پا کستان را از هجوم احتمالی شوروی نجات داد، واز سوی دیگر اقتصاد وطن خود را شگوفان ساخت، چنانچه بارها در بیانات رسمی خود میگفت: (حمایت از جهاد افغانستان دفاع از پاکستان میباشد.)
قصور اینهمه حاتم بخشی هایبشر برشانه های خود افغانهایمباشد، زیرا رسانه های جمعی و تنظیم های جهادی افغانستان چه در پا کستان و چه پس ازتشکیل حکومت، قادر نشدندآذهان مردم جهان رابه حقایق جهاد وقربانیهای بی نظیر مردم ماروشن سازند، وافتخار حاصله رابنام ملت افغانستان ثبت بدارند. شماری از رؤسای تنظیمهای جهادی که بیشتر منافع پاکستان رادر نظر داشتند، مثل گلبدین ومولوی حقانی، حتی در جریان جهاد، افغانستان رابه پاکستان بخشیده بودند. از کنفدریش افغانستان وپاکستان صحبت میکردند، آرزو داشتند مسجدجامع پل خشتی رابنام جنرال ضیامسماسازند و اختیار اردوی افغانستان رابه جنرال حمید گل، قاتل مردم افغانستان بپسارند. گفته میشود که مولوی جلال الدین حقانی حتائیش از آغاز جهاد در برابر تجاوزشوروی، برضدپالیسی مرحوم داوودخان درمورد خط دیورند، به جانب داری پا کستان قیام کرده بود!

اینک بخش پنجم خدمت تقدیم می گردد:

جنگ آی اس آی:

حکومت ضیاءالحق تجاوزشوروی رابه افغانستان، تهدیدبه پاکستان میدانست،و براساس ارزیابی جنرال اختر عبدالرحمن رئیس آی اس آی، فکر میکرد شوروی بخاطر دست یافتن به بحیرهٔ عرب، بلوچستان پاکستان رابه کمک هند اشغال می نماید. برای جلوگیری ازپیشروی شوروی، کمکهای قابل ملاحظه رابه مجاهدین سفارش نمود تا شوروی را درمرداب افغانستان غرق کند. ضیا ییشرازهمه، از اندیرا گاندی که درانتخابات ۱۹۸۰ با اکثریت رأی در پارلمان هندو ستان بقدرت رسیده بود، هراس داشت که بنگله دیش را زیدن پاکستان جدانمود.

ضیا به عربستان رجوع کرد و کمکهای دولتی وشخصی رابرای جهاد بدست آورد. مشارکت پاکستان عربستان، به همکاری امریکا، ضرورت بود . پاکستان در بدل کمکهای عربستان یک قوهٔ نظامی ۲۰ هزارسربازی رابرای مقابلله با دشمنان منطقوی عربستان به مصرف آن کشور اعزام کرد و درجوار مرزاسرائیل مستقر ساخته شد. شمار سربازان پاکستان تاجهل هزارسرباز میرسید، که قسمتی از آن به حراست خانوادهٔ شاهی سعودی دربرابر جالش های داخلی گماشته شدند. پاکستان نقش وحضور آی اس آی رادرافغانستان مخفی نگهداشت، جنگ علیه شوروی راشکل گویایی داد تا شوروی بهانهٔ نداشته باشدبه سوی بحیرهٔ عرب پیشروی نماید، وبه کمک هند به پاکستان تجاوز نماید. پاکستان می خواست دیگ جنگ افغانستان آهسته آهسته بجوشد ولی به غلیان نرسد. دستگاه آی اس آی درخیش افغانستان ۴۶۰ افسریند رتبه وپایان رتبه داشت، که همه بابلیاس محلی وشخصی بصورت مخفی اجرای وظیفه میکردند. ازونیفورم استفاده نمی نمودند، که اگر درجریان جنگ دستگیر شوند، وسیلهٔ پرو پاگند اتحاد شوروی قرار نگیرند، وبهانهٔ برای تجاوزبر پاکستان نشوند.

آموزش مجاهدین در پاکستان صورت میگرفت. ازسال ۱۹۸۳تا ۱۹۸۷ حدود هشتادهزار مجاهد درهفت مرکز تربیه شدند و آموزش دیدند، که توسط افسران آی اس آی عملی میگردد. اگر دراستعمال سلاح امریکایی آموزش ضرورت می افتاد، امریکایی هاوال افسران آی اس آی راآموزش میدادند، و آنها مجاهدین را. کندی و تند ی جنگ، انتخاب نوع سلاح، چه اندازه سلاح به کپها داده شود، توسط جنرال اختر تعیین میگردد. بعضاً سلاح هایی که ازراه سازمان سیا داده می شد، افسران آی اس آی آنرأی کیفیت تشخیص میدادند. چنانچه موشکهای زمین به هوای بلو پایپ Blowpipeواسلاحهایی که از مصر خریده شده بود، معیاری تلقی نمی شدند.

اختلاف دوامدار تنظیم های جهادی درپشاور ودرداخل افغانستان درد سربه دستگاه آی اس آی بود. درهر سه ماه میان ضیا ورهبری آی اس آی، رهبران جهادی وقوماندانهای ارشد جهاد، جلسه صورت می گرفت وبرحالات سیاسی و جهادی بحث میشد. ولی جنرال اختر با رهبران جهادی زود زود جلسه میکرد ومسایل تکنیکی راموردبحث قرار میداد.

دستگاه آی اس آی درسال ۱۹۸۴ جنگ رابه ماورای دریای آمو به آسیای مرکزی انتقال داد، وآرزو داشت یک سلسله حملات پرو پاگندی رادرداخل خاک شوروی انجام دهد، وپل دوستی را که درسال ۱۹۸۲ بالای دریای آمو اعمار شده بود، ومهمترین راه اتصالی افغانستان وشوروی بود، تخریب نماید. ولی جنرال ضیا طرح تخریب پل را رد کرد و آنرابسیار پر خطر تلقی نمود.

جنگ ضیاء:

ستارهٔ اقبال محمدضیاءالحق، یک نظامی گننام پاکستانی، وظیفه دار در سفارت پاکستان در اردن، درخان سال ۱۹۷۰ زمانی به چشمک زدن آغاز کرد که فرصت یافت درجنگ داخلی اردن میان فداییان فلسطینی یاسرعرفات و قوای ناتوان ملک حسین پادشاه اردن که بنام (سپتیمیرسياه) معروف است، اشتراک ورزید. زمانیکه ضیا دراردن پیروز شد، اردوی پاکستان درجنگ میان هندو پاکستان درسال ۱۹۷۰ درلبهٔ شکست فاجعه آمیز قرارداشت. پیروزی ضیا در اردن اورابصفت یک محرک قوی درمقابل بهارقهٔ چهلـم قشون سرخ شناساند. اگر بکنفر درشکست دادن اتحادشوروی و حزب دمو کراتیک خلق افغانستان تشخیص شود، آن شخص ضیاءالحق می باشد.

ضیا در سال ۱۹۷۱ عضو آتشهٔ نظامی پاکستان دراردن بود، که سالها پیش در آنجائین شده بود تا همکاری نظامی میان پاکستان واردن را مساعد نماید. ولی او بالاتراز وظیفهٔ خود، قشون اردن رادر مقابله با فلسطینی هارهنمایی کرد وبه امر ملک حسین، توانایی های نظامی سوره را که ازفلسطینی هاحمایت مینمود، و قسمتهایی از شمال اردن را اشغال کرده بود، ارزیابی نمود. ضیابس از ارزیابی نظر داد که از راه حملات هوایی مؤثر میتوان جلو قوای سوره را گرفت، چنانچه در ازاء آن خدمت، محرم راز ملک حسین گردید .

پاکستان در ۱۹۷۱ به جنگ داخلی گرفتار شد، یحی خان دکتاتور پاکستان ناراضیان راسر کوب نمود ودر پاکستان شرقی به قتل عام اقدام کرد، سه ملیون انسان رابه کام مرگ فرستاد. جنگ کوتاه مدت با هند (دنباله درصفحهٔ هفتم)

محمد طاها کوشان

پرسی دارم ز دانشمند مجلسی بلز پرس:

استاد فرزانه ووزیر گواردا کثرهین وزیراطلاعات وفرهنگ، باید پاسخ دهند که: آیا محمدظاهر خان محمذبزی وحامد کرزی پوپل زبی واشرف غنی احمد زبی غل زبی قابل محاکمه و مأخذ و باز جویی نیستند؟

دریکی ازاحادیث شریف حضرت محمدمصطفی (ص) ذکر است:(مردم عاقله خداوند اندو محبوب ترین ایشان نزد خداوند کسی است که نفع رساننده تر باشد؛ به عاقله خداوند جل جلاله).

چندا تا زنیکی هاوخیر جاریه بوژه در این حالت مبهن ما اینهاست:

۱- خرید قلم و کتابچه برای یتیمان.
۲- همکاری در آبادی مکب آنها.
۳- خرید دریشی و لباس مکب برای یتیم ها.
۴- آگاهی دادن آنها به اطاعت از لواج و قوانین ترافیکی.
۵- فهمانیدن پاسداری از حرمت و عزت گذاشتن به دختر ها و خانم ها درهمه جا.
۶- سهم گرفتن در پاک کاری و نظافت خانه و ده و قریه و شهر.
۷- آموختن خواندن ونوشتن به خوشاوندان نزدیک؛ از خانه شروع تابه ده و قریه وشهر.
۸- روش نگهداری تن و بدن از درد و بلا های گوناگون.

هر کسی بقدر توان و وسع خود میتواند درخدمت عاقله خداوندباشدو آنگاه در هر دودنیامحوب الله جل علی شأنه خواهشد انشاءالله تعالی.
شرح بالا را چندروزپیش برای یکده از جوانان که سخت به خداوند(ج) و پیامبر گرامی(ص) گرویده ودوستدارش هستند و می خواهند که کارخیری کنند تادر روز آخرت مورد سنجش قرار گیرند؛ دررخ نما(فیسبوک) نوشتم.
با باورداشتن به اینکه هرپدر ومادرنهایت تلاش و کوشش را در راه آموزش وپرورش وتندرستی و بهروزی و سرفرازی فرزندان خویش می نمایند؛ زیرا ماهمه مسلمانیم وبدستور خداوندو پیامبر، گردن باور و خردواندیشه نهاده ایم؛ پس هیچیک اززن ومرد مسلمان را نشاید که در این راه کوتاهی یا چشم پوشی کرده تنها به خود و عیاشی و خوشگذرانی خود بپردازد.

اکنون تنها کوتاه نگرشی داریم برعملکردهای ماد زابر خان(اصطلاح خانوادگی خودشان):

۱- هرچه دستور کشتن ویدار آویختن نخبگان و چیز فهمان افغانستان در زمان خود محمدظاهر شاه و صدارت کاکایش هاشم غدار وپسر کاکایش ماد داوود انجام شده به دستخط خود ماد زابر خان بود.

۲- خلع سلاح نمودن همه اقوام افغانستان بجز پشتونها، و تقسیم بباداری به پشتونها لاکتات وحسابداری به تاجیکها وقزلباشها و جوالیگری و خانه سامانی به هزاره ها.
آیا این تقسیمات درست نبوده و من اشتباه نوشتم؟

۳- چشم پوشی ازقتل وغارت مردم هزاره و اوزبیک وترکن و تاجیک بدست پشتونها. بگونه مشت نمونه خروار: زنده پوست کشیدن دوانسان و انداختن جسد شان بالای خرمن گندم زمین خود شان وآتش زدن آن اجساد مظلومان درولایت سرپل توسط کمال الدین اسحق زی! کسی تاامروزهم نمیداند که نتیجه دادخواهی چی شد و بکجا انجامید؟

۴- بیخبری وعدم توجه به وضع رفاه عامه، مشت نمونه خروار: تا زمانیکه مردم چیچران فرزندان خویش را به سبب قحط و خشکسالی متواتر درسرزمین شان؛ برای فروش به شهرها و پایتخت نیاورده بودند؛ کسی از این بدبختی و بیچارگی هم مبهنان ما خبر نداشت.

۵- فرزندان خود ماد زابر خان ازپسودترین ویی کفایت ترین و... جوانان زمان خویش بودند تا همین حالا یک چیزیکه نمایانگر ادای دین شان دربرابر خداوند(ج) ومردم ومیهن شان از گونهٔ نماز خوانی، پیام همدردی ویاتسلیت گویی، دستگیری وهمنوایی و... نداشتند و ندارند و نخواهیم دید.

اما شاهدخت بندی به فرزند ملکه کربا و شاه امان الله که هر دو پادانش اندیشمند و پیشرفت پسند بودند؛ با کهولت سن و دست خالی به میهن بازگشته در کنارهم میهنانش باعزت واحترام به کارهای خیر به مشغول است.

۶- بخاطر بر کردن جیبهای حریرص خانوادگی شان؛ پلاتهای که روی دست گرفتند همه شکل تظاهر وفریبکاری بود. ازهمه آن پلاتهای پرطمطراق شان حاصلش چیست و کجاست و چرا گم شد؟

۷- ماد زابر خان چقدرباغ وزمین غصب شده را فروخت و پولش رابه بانک های خارج به حساب فرزندان بی دانش و بی کفایت خویش ریخت.

شماخوب باژرفنگری ودلواپسی و زیر کی چهل سال دوران زمامداری ماد زابر خان محمد زبی را باچند روزه پادشاه جمهوری کرزی واحمدزی در ترازوی خرد واندیشه وامانداری ایمان خویش بسنجید وبعد قضاوت نمایند که ما ازچهل سال بیکاری و نفاق اندازی ونخبه کنشی و... یاد نمایم و یا؟؟؟

در ریشه وماهیّت و روش جی تفاوتی را بین دورهٔ چهل سال پادشاهی ظاهر خان و دورهٔ سیزده و نیم سالهٔ اخیرمی بینید؟
آیاد قوم و زبان پرستی، ظالم و ستمکار و دزد و چپاولگر نوازی چیز تازهٔ دیده میشود؟ و یا بازی باقانونها وقانون گریزهای خانوادگی شان لادستخط نکردن قوانین متمم قانون اساسی دورانش؛ رشد و پرورش چپی ها، خفه ساختن علمای دین درمسجد پل خشتی کابل ووو، و باز برای ستایش یک خاین،خاین ملی وجانی دیگری رامی آوری که خود نو کر آی اس آی ویرادر طالب خونریز انسان دشمن قرعان سوز زن ستیز یعنی جامدخان کرزی ؟! که اگر خردورزی واندیشه نیک داکتر عبدالله نبود امروز باز ایزار را بازایراند درجنگ انداخته بود. اشتباه میگویم؟ اگر اشتباه هست راستش را شما بگویید.

ای صداقت بر تو لعنت کز تو ذلت یافتم

وی خیانت بر تو رحمت کز تو عزت یافتم
یک باز تاب از تعصب وتخم کین کاشتن خود کاهه ها درهمین دو دهه اخیر در نزدیکی افغانستان به وقوع پیوسته از وسایّت یک جوان ایرانی میخوانیم: (وچنان شد که... به گفته فردوسی: پدر کشتی و تخم کین کاشتی - پدر کشته را کی بود آشتی

ناگوار ترین پیامد جنگها بغض و کینه و نفرتی است که دراندیشه بازماندگان جنگ نسبت به طرف مقابل به وجود می آید و محصول آن هم چیزی جز نکت و بدبختی و تباهی چیز دیگری نخواهد بود. از این روی، داورپها و اظهار نظرهای یو نانیان درباره ایران پیش از آنکه از صافی های حب و بغضهاو تعصبات جاهلانه پلایش دهیم، بپذیرفتنی نخواهد بود.مضحک ترین وشگفت آورترین حادثه، مطلبی است که میگویند .پس از پایان جنگ هشت ساله ایران وعراق، روزی به مناسبتی بابکی از فرزندان صدام تکرینی، رئیس جمهورعراق، مصاحبه انجام گرفت . خبرنگاری از وی درباره ایران و ایرانیان نظرخواهی کرد و او در پاسخ گفت از سگ و ایرانی . سگ بر ایرانی شرف دارد!!

این گونه اظهار نظرهارا بجز افتخار نفرت وعمق کینه ایکه از ایرانیان درطول جنگ به دست آورده اند آیا به حساب دیگری هم می شود گذاشت ؟)

حالا تجلیل از صدسالگی شاه سابق، تجلیل از نفاق افگنی، برتری خواهی قومی وزبان، تجلیل از کشتار روشنفکران وطندوست، تجلیل از عیش وعشرت جویی، تجلیل از بی تفاوتی در برابر آلام ملت وظلم بر اقوام محروم ووو نخواهد بود؟ مقام سلطنت غیر مسئول وقادر به انجام هر گونه اقدام برسرنوشت ملت افغانستان، منشأ وسرچشمهٔ همه امور کشور بوده (دنباله درصفحهٔ هفتم)

انجنیر عبدالصبور فروزان

تلویز یون ژوندون

مظهر تعصب زبانی و قومگرایی در افغانستان
(۴)

دراین بخش مقاله حقیقت آتهایی را که اسماعیل یون همفکران خود وپیش وایان حرکت سلطهٔ پشتونیسیم وتحمیل زبان پشتو میدانندو تلاش میکند تا ذهنیت مردم را ازدر پیچهٔ تلویزیون ژوندون تحریف نماید، و آنها را از آنچه که بودند، نه، بلکه چیز دیگری جلوه دهد، بر ملاسازم تاباشد که مردم مااز واقعیتها باخبر شوند و مشکل قضاوتها آسان گردد. یکی ازین چهره ها آقای نادراست، که اسماعیل یون وهمفکرانش اورااعلیحضرت محمدنادر شاه غازی؟؟؟ میگویند، ولی در میان مردم چیزفهم کشور و آتهاییکه از واقعیتهاواقف اند، به نادرغدارمشهور است. نادر شخص مزور وفریبکار وخیانت پیشه بود. قتل پدر امان الله خان را او طرح کرد. وقتی قاتل دستگیر شد، به تزویر اورا رها کردو شاه علی رضا آغا را که شخص بادیانت وخداجویی بود، دردام انداخت، چون اهل تشیع وتاجیک بود.
بالین توطئه نادر، امان الله شاه، علیرضا آغارا شهیدساخت. وقتی من پسر کوچک بودم، همواره به مزار این مردبزرگ وشهید پاک میرفتم ودعا میکردم، قصه اش را از زبان پدرم شنیده بودم. نادر موسس استبداد پشتونیسیم نوین و سرکوبی دیگر اقوام کشور بخصوص تاجیکها وایزیکهاست. برای نادر فرمان رویی پشتونها وفرمانبرداری اقوام وملیتهای دیگر کشور اصل بود و آنرا رازدوام سلطنت در خانوادهٔ خودو حصول رضایت انگلیسها میدانست. برای تحقق این هدف، نادراز آنچه ظلم ویدادی که بود استفاده کرد.

نادر برای سرکوبی اقوام تاجیک وایزیک وهزاره، وحاکمیت پشتونهاچنان ظلم واستبداد کرد که حتی اکثر پشتونهایی که تعصب نداشتند، بالین برنامهٔ او موافق نبودند وحتا بعضاً آنرا مذمت میکردند. نادر به امان الله خان خیانت کرد، درظاهر از امان الله خان توصیف می کرد، ولی دردل دشمنی شدیدباو داشت، وبرای سرکوبی امان الله خان، با انگلیسهاهمدست نشد. زمانی که هنوز نمایندهٔ امان الله خان در پاریس بود، بصورت مخفی وبدون اینکه پادشاه را آگاه سازد، دزدانه به لندن رفت وآمد میکرد، وبطور مخفی وخابثانه درطرح سقوط دولت امان الله خان انگلیسها راهمکاری مینمود. درواقع او یک شخص نمک حرام بود. انگلیسهاخاطر نزدیکی امان الله خان با دولت روس ازاوراضی نبودند ودر صدد برانداختن سلطنت او بودند. نادر و خانوادهٔ او تا آخر بحیث دشمنان امان الله خان باقی ماندند. حتی برادرش هاشم صداهان از شخصیتهای ملی ومیهنی کشور را به جرم طرفداری وحتی اظهار محبت به امان الله خان بقتل رسانید، وصدها تن دیگر رادر سلولهای مخوف زندان شاهی برای سالیان درسال نگه داشت. نادر به تزویر اینکه تاج وتخت رابه امان الله خان بر میگردداند اقوام جاجی ومنگل را فریب داد وبر علیه شاه حبیب الله کهدامنی استفاده نمود، وحتا زمانیکه روسها به همکاری غلام نبی خان چرخي به شمال کشور حمله کردند .سه هزاراز مجاهدین رابه شهادت رسانیدند وقسمت اعظم شمال کشور را اشغال کردند، نادر وحامیان انگلیسی اش وارخطا شدند که مبدا روسهاموفق شوند وامان الله خان را دوباره یاباورند، پادشاه حبیب الله کهدامنی موافقه کرد که به دولت شریک میشود واو راتشویق کرد که شخصابهٔ سمت شمال رفته وبر علیه روسها بچنگد. اما وقتیکه روسها عقب نشینی کردند، ازعهدی که پادشاه حبیب الله کهدامنی بسته بود، صرفنظر کرد.

نادر وقتیکه قدرت رابدست گرفت، نه تنها از بر گرائیدن سلطنت به امان الله خان اباء ورزید، بلکه برای امان الله خان وخواده اش هم اجازه نداد تا به وطن برگردند. زمانیکه غلام نبی خان چرخي به نادر میگوید که ماوعده کرده بودیم سلطنت رابه امان الله خان برمی گردانیم، بایدبه عهد خود وفا کنیم واو را پادشاه اعلان کنیم، نادر می گوید که سلطنت رابه زور خود گرفته ام، نه به زور امان الله خان، وبه امان الله خان دشنام میدهد که سبب آشفتنگی غلام نبی خان چرخي شد، وپرخاش شدیدی باهم کردند. غلام نبی خان به نادر میگوید که تو خاین و نمک حرام هستی ولعنت به پدرش میگو ید، نادر عصبی شدوبر عساکرش فرمان داد تا بر غلام نبی چرخي حمله کنند وباقدناق تفنگ به پشتش حواله کردند و سپس امر کرد تا بارچه او را قطعه قطعه کنند، که بالاخره بدن سفیر چرخي مثل یک مشک خون شد، وبعد میشش رابه لگد زده و به خانه اش فرستاد. این عمل نادر خیانت اورادر برابرهم پیمانانش ثابت ساخت، وخصوصیت درنده خویی و ددمنشانه اش را بر ملا نمود، واخبار آن در میان مردم پخش شد، نادر به نادرغدار مشهور شد .

مدتی نگذشت که عبدالخالق، که پسر خوانندهٔ غلام نبی خان چرخي بود، و درخانهٔ اوبزرگ شده بود، درصدد آن شد که انتقام غلام نبی خان چرخي را از نادر بگیرد، چون نادر غلام نبی خان چرخي را بدون گناه وبدون محاکمه به قتل رسانید، که درواقع نادر بایدبه عدالت کشانده میشد که نشد. لذا عبدالخالق که جوان شجاع ووفاداری بود در محفل توزیع شهادتنامه های دانش آموزان لیسهٔ امانیه (که توسط نادربه لیسهٔ نجات تغییر نام یافت)، باحواله سه مرمی به دهن نادر حیات او را خاتمه داد ومردارش ساخت. بعد ازقتل نادر، مجلس خانوادگی ترتیب شدو قرار شدشاه محمود برادر نادر، پادشاه شود، شاه محمود که نسبت به سایر برادران واهل فامیل خصوصیت نیکوداشت عنذپیش آوردوظاهر هزده ساله را پادشاه ساختند، ولی هاشم برادر اندر نادر که در درنده خویی وظلم به نادر شباهت داشت، امور سلطنت را پیش میبرد. هاشم بخاطر انتقام برادر، عبدالخالق راشکجه کش کرد. هاشم به رئیس شیطان صفت ضبط احوالاتش میرزا محمد شاه خان ننگرهاری را که شکجه گر سعیت خو بود، رادستور داد تا در شکجهٔ عبدالخالق وبارانتش از هیچ دنائت وردالت خودداری نورزد، و اوهم درطول باز جویی های دوامدار، عبدالخالق رابه زاری زار اذیت کرد وقبل ازبنکه در بیرون زندان دهمزنگ او وهمراهانش را به دار ظلم هاشم خانی یابویزد، از او پرسید با کدام کلک ماشه را کش کردی؟ همان کلکش را برید، از او پرسید با کدام چشم نشان گرفتی؟ همان چشمش را با تیغ بران کشید، از او پرسید با کدام پای پیش آمدی؟ همان پایش را برید و تن تو ته وپارچهٔ او را به دار آویخت، وسپس درقفس انداخت ودر منطقهٔ جوی شیر کابل برای روزها آویزان ماند، تامایهٔ عبرت دیگران شود.

از بزرگان کابل شنیده بودم که مردم کابل هرروز پنجشنبه مخفیانه خیرات میکردند وبه روح عبدالخالق وهمراهان ییگانش دعای نمودند. هاشم اعضای خانواده وخویشان عبدالخالق را یکایک به قتل رسانید، که درمجمله اطفال خرد سال ومردان زنان کهن سال نیز بود. هاشم توسط ضبط احوالاتش دریافت که درقتل نادر یک دوست عبدالخالق نیز همدست بود، فوراً اورا بازداشت کردنبواز او پرسیدند آنآ تو بدرین قتل باعبدالخالق همدست بودی؟ این جواب دلیر گفت که این ناجوان(عبدالخالق) مرا خبر نکرد که من هم درین کار خیر اورا همکاری میکردم ! هاشم به غضب شدو آن جوان رادر همتاجا با گلوله شهیدساخت. ازین روزبه بعد هاشم در میان مردم کابل لقب اصلی خود رادر یافت وبه هاشم جلاد مشهور شد. هاشم برای گرفتن انتقام برادر این را کافی ندید و دسیسهٔ دیگری طرح کرد و نمایندهٔ به هزاره جات فرستاد وگفت همه بزرگان، خبرگان، علماو سرشناسان هزاره جمع شوند. وقتی همه جمع شدند، پول ووسائل برایشان فرستادو گفت که صدراعظم صاحب میخواهد باباشان ملاقات نماید. هزاره ها که به شاه حبیب الله کهدامنی بیعت نکرده بودند (دنباله درصفحهٔ ششم)



عنوان کتاب: درام کتاب، کتابدار و کتابخانه نویسنده: پول الیگر، دراماتیسٔ فرانسوی

درین برهٔ حساس جهان مطبوعات و نشرات ونویسندگی و تبارز پدیده های تکنالوژی کامپیو تری واترنت، که رجوع خوانندگان و شیفتگان آثار مطبوعاتی رابخودجلب نموده است، باید یادآورشد که چنین رویدادی هیچگاه نمی تواند کیفیت ولذت معنوی و نفوذ انتباهی مطالعهٔ مستقیم صفحات مطبوع و بچاپ رسیده را درقلرمو خوانندن رویاروی کتابها ورساله هاومجلات و روزنامه هاو امثال آن دربر بگیرد.

روی همین موضوع وواقعیت انکارناپذیر، یک نویسنده ودراماتیسٔ شهیر فرانسه بنام (پول الیگر) درام جالب وخاصی راروی صحنه آورد که بازبگران یاقهرمانان آنرا کتاب، کتابدار و کتابخانه دربردهٔ تمثیل تشکیل میدهد. من جندی قبل متن مکمل این درام آموزنده را که درتهیهٔ زندگینامهٔ دراماتیسٔ فقیدوطن عبدالرشیدلطیفی، بااهتمام داکترعنایت الله شهرانی، ترجمه کرده ام، دریک محفل خودمانی قرائت نمودم. وقتی متن درام درتمثیل کتاب، کتابدار و کتابخانه به پایان رسید، دودوست فرزانه وعلاقمندجهان کتاب و نویسندگی، حشمت خلیل غبار و بانو ماریا دارو غبار که تازه باهم وصلت پرسعدات وهم فکری وهم اندیشی، ازدواج نموده اند، تذکر دادندکه درین درام جالب وپر انتباه، جای کتابخوان خالیست وجه خوبست اگرمن نقش کتابخوان رابیحث یک هیروی چارمی بنویسم وتبارز بدهم. اینک دریخش اول این نوشته، متن درام پول الیگررادر برابرشما علاقمندان ارجمندارائه داده ودربخش دوم آن مونولوگ هیروی (کتابخوان) راروی صحنه شامل تمثیل میسازم:

(پول الیگر، دریک نمایشنامهٔ مختصروسیار جالب خود، کتاب و کتابدار و کتابخانه رابیحث مثلالن درکالبدهنرمندان تیاتر روی صحنه آورده وبه تماشاجی، نعمت بزرگ مطالعه وارزش کنایهار، در جهان مطبوعات تبارزمیدهد. دردرام پرائتباه الیگر، هنرمندان چیره دست رول(کتاب)، و(کتابدار کهن) رابه عهده داشته ودربرابر تماشاجیان تمثیل میکنند:

کتاب: هنگامیکه من میان دهستای توخوانندهٔ عزیزوارجمند قرارمی گیرم و صفحاتم راییکی پی دیگری ورق زده ویاجشمان باریک بین به جملات و کلماتم، که انعکاسی اذدل وجان نویسنده است، نظرمی اندازی، فراموش نکنی که من زنده هستم وروح وروانم باتوسخن میزند. بلی، کتابها موجودات زنده وسخنسرا هستندوباخواندگان خوددردهرزبان وهرزمان ودرهمه حال، هرگونه اطلاعات وهرنوع دانش وتجربه وعبرت وانتباه را تقدیم میکنند. لهنداسلف انگیزاست اگر مردمی میان و کدام شیء دیگر، فرقی نگذارندوبه محتویات ما توجهی نداشته باشند. این وقت است که اجتماع ما پوچ، ییمزه و مبتذل شده ودچارغزشهای خطرناک میگردد. پس، تمنای من همین است که مرابه دقت بخوانی وبا قضاوت روشن، روزنهٔ تفکر و آموزش را بگشایی...

درین فرصت کتابدار کهن به سخن آمده میگوید: نگاه کنیدهبه کنایهای عزیز من، به این سخنوران خاموش، ولی پرمطلب وپرمحتوا وامادهٔ نطق ویبان! هر روزصبح تاشام و گاهی هم شها، صدهاخوانندهٔ برعطش ومتجسس و پژوهشگر و نیازمندعلم و هنروادب وتاریخ به بازدید و مطالعهٔ اینها می آیند، وبه گنجینهٔ دانش ومعلومات و رشد فکری خودمی افزایند... ولی من قصهٔ شهری رابیاد دارم که مردم و ساکنین آن ساهلابه یک مرض عجیب گرفتاربودند. علایم عمدهٔ مرض آنهارافراموشی، بی تجربگی، سرآسیبگی، بی ثباتی، تشت فکری وفقدان قضاوت سلیم تشکیل میداد، وعامل این مرض همه گیر شهرمذکور همانادوری ویگانگی وفقدان علاقه ومحبت به کتاب بود.(زیرا مهاجمین گوناگون درحملات بی امان خودبر ساکنین شهر، کتابها و کتابخانه ها را سوختانده بودند وبه تاراج برده بودند ودوستاندان ومحافظان ومدافعان کتابخانه ها و کتابهارا مورد خشم و زجرقرار داده، حقیر و منزوی وفراری ساخته بودند، و درعوض آنهاثمردرین وجاهلان جا گرفته بود). ساهلاست کتاب نویسان و کتابداران فرزانه و بشردوست، درین فکر واندیشه هستند که برای علاج مرض این شهر چطورروزنه های روشن کتابخانه هارا باز کنند ودر احیای مجدد حافظه و شعور اجتماعی ودانش برادرفتهٔ آنها وپیداری معنویات خوابیدهٔ شان دست بکار شوند وبردل وجان شان مرهم شفا بگذارند...

درهمین لحظه ازگوشهٔ کتابخانه، باردیگر کتاب به سخن آمده چنین اظهارمی کند: مرهم شفابخش را درلابلای صفحات من جستجو کنید! وقتی نزدیک من بیابید وساعتی رادر کتابخانه بامن سپری کنید، معلومات ورهنمایی های سودمند وهمگانی، حکایات دلنشین و رنگین، اشعارزیبا و ترانه ها، قصاید وحماسه ها، درامه هاوورومانیهای عالی و گزارشات تاریخی رابه مطالعهٔ تان عرضه خواهم کرد. من به انتخاب وخواست دل تان ازسیاست، ازحقوق، ازطب، از نجوم، از فلسفه، از مذاهب، از خاقلی وخلقت کائنات، از تاریخ ایام کهن ومعاصر، از اوپراها، از تیاترها، از هنر تمثیل وسینما و ازپدیده های جدید جهان تکنالوژی کمپیو تری واترنت به شماسخن خواهم گفت.

به هر حال، بانتباه ازین درام جالب وعالمیقدار دراماتیسٔ فرانسوی پول الیگر، وپیشنهاد ابتکاری دودوست فرزانه ام بانو وآقای غبار، نقش کتابخوان راجنین به نمایش گذاشتم :

-هیروی تازه نفس یحیث (کتابخوان) درحالیکه تعدادی از کنایهای گوناگون زیربغلش است، ازیک گوشهٔ نورانی صحنه پدیدارمیشود و دریک مونولوگ پرمحتوا، اینطور به سخن می آید:اینک من در محضرشما فرزانگان وعلاقمندان کتاب وآثارماندگارمطبوعاتی خود رابیحث یک کتابخوان، درقطارملیونهای دیگری که درهمین ساعت مصروف کتاب خواندن هستند، معرفی می کنم : من کتاب رابادل و جان درکنه روح وروانم دوست دارم، از کنیهاآموختم ودر آموزش مطالب آناهبه دیگران به نیازمندان کمک کردم، مطالب عمده و ارزشمندراتاحد توان به حافظه سپردم وبا دراوراق یاداشتهایم ثبت کردم . من شمهٔ از کتب ادیان سماوی وفرموده های خداوندی راخوانده ام، در مصحف مبارک قرآن خواندم که خداوندراولین پیام خودبه پیغمبر اسلام گفته است: پخوان به اسم خدایی که خلق کرد انسان را و اورا باقلم، علم آموخت ... همچنان صفحاتی از تورات وانجیل را که خداوند فرموده است، به پیغمبران و کنایهای آنهاایمان داشته باشیم، خواندم ودریدم که درهمه جاسخن از پیروی اخلاق و کردار حمیده و احترام به خلقت و کرامت وحقوق انساناست. من متنوی مولاناجمال الدین بلخی رومی راخواندم که درلابلای هزارن حکایت پر پندو نصحیت و گفتار منظوم ملکوتی درحکایتی دربارهٔ حج عمرهٔ شیخ بازید، این ابیات راسروده است :

سوی مکه شـیخ امت با یزید
او به هر شهری که رفتی از نخست
گرمیگشتی که اندر شهر کیست
گفت حق، اندر سفر هرجا روی
قصد گنجی کن که این سودوزیان
(دنباله در صفحهٔ ششم)

کامل انصاری

کاسترو ویلی ـ کالیفرنیا

منارهٔ جام شاهکار دورهٔ تپان اسلامی
منارهٔ جام یکی ازبرجستگان تاریخی، فرهنگی وهنری دورهٔ تابان اسلامی در کشورما محسوب میگردد.(*) بایدتذکرداد که درهرکنج و کنار کشورتاریخی ما از هزارهٔ اول قبل از میلاد تا اواخر سدهٔ نهم ه. ق. آثار وغنایم گرانبهایی موجود بوده است. این آثار در ادوار تاریخ از شهرهای اسکندریهٔ شمال شرقی تا لبه های هریرود و ازلبه های شمالی اکسوس رود تا اواخر حوزۀ رود کابل، از شهرزرنگبانه (رزنج) تا سغدیانه و کاپیسی تا اراکوزی پهداشته است.

در ادوار اسلامی دردورهٔ شاهان و سلاطین غوری، اثر بلندقامتی همچون (منارهٔ جام) قدعلام کرد. این مناره تا امروزهم از ایام جوانی به پیرانه سری و کوششی رسیده است. نشریهٔ برون مرزی بنام (گلستان)، چاپ کانادا، در بارهٔ مناره جام نوشت: (منارهٔ جام بین آهنگران و کنج در تلافی تگاوکنبد ودریای هریرود واقع شده است. منارهٔ جام دراین درهٔ تنها، بلندی۶۵ متر قامت کشیده، قسمت تحتانی آن شش رخی شکل بوده وئه منرقطر دارد. در ناحیهٔ بالایی شش رخی مناره به سه مرحله به شکل مخروطی بنا گردیده، و بداخل مناره زبنهٔ مارپیچ هشتادلبه یی آبادشده است. این بنای نام آور کشور ماتختستین بار توسط باستان شناس فرانسوی بنام مارک تذکر رفته (۱) (شاید اندری ماریک باستان شناس بلژیکی بوده باشنده مارک فرانسوی). غور و کوهپایه های آن مرکز شاهان سوری، غوری، شنسی، شیشی، زوری و بسطام و سام بوده است، که همهٔ این ناهمباخاندان کهن غور که از سل بسطام بن اییور داسپ هستند، به جو آمده اند. شاهان درخم و پیچ دور تاریخ، بر علاوهٔ تاج و تخت، قلعه های مستحکم سنگی وباره های استوار وحصارهای بزرگ وارگ های درون وبرج وباره های مستحکم، که برای پدافند ملی شان بکارمیرفت، بنا کردند. اهالی وشاهان غوری چون در کوهستارهای بلند زندگانی میکردند، بدون شک به این همه ترصد گاهها نیازمیرم داشتند. شهر فیروزکوه که در دامنهٔ کوه بلند موقعیت داشت، پایتخت تابستانی شاهان غوری محسوب میگردد، و شهرک زمینداور(موسی قلعهٔ امروزی) پایتخت زمستانی شاهان غوری بود. بدون شک این سلاطین بر علاهٔ قلعه ها، به تأسیس قصرها، ارگهای صخره یی، ارم ها و مناره ها اقدام عملی میکردند. با وروددین مقدس اسلام، به ساختمان مساجد، بنا های مقدس، مناره های یادگاری نیز میپرداختند. یکی هم از بناهای سترگ تاگریخی دورهٔ اسلامی در غور تعمیر منارهٔ جام است، که متصل دریای هریرود با قامت بلندسه هاراپشت سر گذاشته است. اکثر محققین باورمندند که منارهٔ جام متصل (حضرت فیروز کوه) بوده است. اندری ماریک دیرینه شناس بلژی که نیز به این عقیده است که منار جام نزدیک پایتخت غوریعی فیروزکوه موقعیت دارد. اندری ماریک باهمکارش جی ویت فرانسوی همنظر هستند که شهر تاریخی فیروز کوه متصل منارهٔ جام می باشد.

شاعر ودانشورز کشور جناب پرتو نادی درنشریهٔ سباون معلومات دامنه داری راهم آورده مینویسد: منارهٔ جام یکی از تماشایی ترین ابنیهٔ تاریخی افغانستان است. قطب منار دهلی که

یکی از شاهکارهای دورهٔ اسلامی در هندوستان است، به الهام از منارهٔ جام آباد گردید. قطب منار از یادگار سدهٔ سیزدهم میلادی در زمان قطب الدین ایبک، نخستین سلطان که پس از کشته شدن سلطان محمدغوری در هندوستان براورنگ شاهی نشست(۵۶۰ هـ. ۱۲۰۶م) ونامبرده بانی اکثر بناهای اسلامی بشمول قطب منار در هندوستان است، امدار ساختار منارهٔ جام، سلطان غیاث الدین، یکی از شاهان برجستهٔ غور آبادشده، در ارتباط به بلندی منارهٔ جام، باستانشناسان نظریات مختلفی دارند، واین بنای تاریخی رابه بلندی ۶۳ تا ۶۹ متر رقم زده اند. براساس نوشتهٔ پرتو نادی که منارهٔ جام در میان سلسله کوهای ولایت غوربرپا واز سطح پحر ۱۹۰۰متر ارتفاع دارد. دهکدهٔ جام به فاصلهٔ ۶۲ کیلومتری شمال شرقی ولسوالی شهرک واقع شده است. اسناد یونسکو نشان میدهد که منارهٔ جام در سال ۱۱۹۴م در دوران سلطنت سلطان غیاث الدین غوری تعمیر گردیده وتا کنون معلوم نشده که مدت چندسال را این ساختمان دربر گرفته است.

درنشریهٔ ششم مجلهٔ نامهٔ خراسان، از اتمجن فرهنگی افغانستان در کالیفرنیا، آمده که بناء(بفتح ب) منارهٔ جام شخصی بوده بنام علی که از ماوراالنهر خواسته شده تا در آبادانی مناره سهم فعال بگیرد. نام معمار دیوار در قسمت پایان مناره حک شده وهمچنان نام سلطان غیاث الدین در پای مناره دیده میشود. باید یادآور شد که ساختار مناره ازخشت پختهٔ محکم وقسمتهای (دنباله در ص ششم)

منارهٔ جام یکی از برجستگان تاریخی، فرهنگی وهنری دورهٔ تابان اسلامی در کشورما محسوب میگردد.
(*) بایدتذکر داد که درهرکنج و کنار کشور تاریخی ما از هزارهٔ اول قبل از میلاد تا اواخر سدهٔ نهم ه. ق. آثار وغنایم گرانبهایی موجود بوده است.

کامل انصاری

کاسترو ویلی ـ کالیفرنیا

سید آقا هنری

سید آقا هنری

رازهای نگفته شده

ما بر سر بازار، بگفتیم ونوشتیم



درواه وطن، آنچه نهفتند ونه گفتند
خوشبخت بودم مدت دوسال، هر هفته
روزهای چارشنبه از ساعت ۵ الی ۷ شام،
یکبار افتخار همنشینی میوندوال بزرگ
ودانشمند، مرد غریب تبار راداشتم،
مردی که تا تارموی بدنش وطن
ووطندار میگفت، بالاخره جان به جان
آفرین درواه وطن در خاک وطن سپرد.
دژخیمان داؤدی، این سرسپردگان روس
قدیر نورستانی، نبی عظیمی، پاجاگل
ومخصوصا صمد اظهار قاتلینی ازباند
پرچم زیر مشت ولگد به درجهٔ اعلی
شهادت رساندنش.

شادروان میوندوال باری درپارک

ز رنگار در جمع غفیری گفت :

این سر که نشان سرپرستی است
امروز جدا ز قسید هستی است
بادبیدهٔ عسبرتش ببینید
این عاقبت وطن پرستی است
ودر ادامه گفت به امیدی روزی، که مطبوعات آزاد شود ومردم گفتنیهای زیاد دارند. هنوز اکثریت مردم ما از آن خبر ندارند، اما امروز خبر طفل قنبداقی خاندانی در صدر اخبار رادیو گفته میشود، نسبت به کاریکه صدر اعظم انجام داده. خود میوندوال صدها رساله دهجاهلد کتاب وبسیاری ازسوره های قران باحکمت رابه زبانی که مردم بیدارشونو مفهوم اصلی قران رابدانند، ترجمه وتفسیر نموده بودند که بعد توقیف شدنش، دستگاه جهانی ضبط احوالات داوودی هنگام تلاشی خانه شان باخود بردند. مرحوم غلام مصطفی رسولی برایم گفت یکی از دوستان نجیب رئیس خاد را از آثارش پرسیده بود. در جواب شنیده بود، ولا نمی فهمم، همه اش رامأمورین کاجی بی باخود به مسکو بردند، دگر خبری نشد.

چنانچه مرد دیگری از مهد مردم، داکتر محمودی میگفت باشد روزی که محمد زایی را نی بگوئیم.

بلی به سیبل مثال میوندوال میگفت، احمدشاه خان وزیر دیاربهرسال که بودجهٔ حکومت پاس میشداوبه مأمورین خود امر میکرد، خرج فامیل مرا نقهده پیردا زید. ما برای خود طبخ میکنیم. بعدا به آشپزخانهٔ ارگ رفته، ومیگفت دو غوری نان برای ماییار بد. (که مردبود که بگوید آقا شما که پول نقد گرفتید). یادرل محمودخان گمرک سابقه، مردم مادیده بودندتعداد خربوزه، تربوز و سبزی فروشان مطاع خود را اتجا آورده به فروش میرسانیدند، تاقوت لایموت برای فامیل خود داشته باشند، احمدشاه خان آمده شخصا ته جایی جمع میکرد، البته این ملکیت دولت بود.

همچنان مرد غریب تبار در شهر هامبورگ، محمدحسین کرد سابق رئیس در ریاست گمرک کابل ومأمور پاک نفسی برای ما قصه کرد: کاکایم سیدمحمد مستوفی در ولایت هرات بود، دوستی داشت برادر خواندهٔ شاهزاده نصراله خان الله خان که در سفارت انگرین خانه سامان بود. نصراله خان موقف ضدانگریزی داشت، برای وی گفته بود، اگر بتوانی لست جواسیس افغانی را برایم بیاری؟ روزی نامبرده نفس سوخته کبابی را زیر قوش گرفته دوان دوان ساعت دوی بعد ازظهر برای شاهزاده نصرالله آورده ومیگوید سفیر استراحت رفت من کتاب را آوردم لطفا زود نظر اندازید، که دیواره سر جایش بگذارم. دیده میشود ۴۲ نفر سفارت تنخواه خوردار و در صدر نامها اسم احمد شاه خان وزیر دیارب و خسر شاه ظاهر، به معاش ماهانه مبلغ چهارصد کلدار درج می باشد.

دوست گرامی ام مرد وطن دوست وخداپرست محمدنعم عظیم سابق رئیس اداری وزارت عدلیه، جریان ماجرای ترانسپورت ممتاز را که تقریبا یکصد عراده تانکرهای جدید اترنشنل امریکایی از پول هلال احمر، جهت ترانسپورت بنزین مخصوصا از ایران خریداری شده بود، من با دومأمورد گرموظف شدم، دوسیهٔ شرکت ممتاز را بررسی کنیم، شهزاده احمد شاه رئیس هلال احمر بود. بعد از سه ماه تقشیش و بازرسی دوسیه تکمیل وششصدملیون افغانی رامستند ثابت کردیم، اما اختلاس از هزار ملیون زیادبود، به مقامات بالا سپردیم. روزی معین وزارت عدلیه برایم تلفون کشیدو گفت شمارا شهزاده احمدشاه خواسته، مو تری در پایان حویلی وزارت انتظار است. ازدفتر پایان شدم مو ترجیب روسی رادر صحن حویلی دیدم، اشاره کرد بالا شوید. مو تررخ به طرف وزیر اکبرخان کرد، مرا در منزلی رهنمایی کردند. همهٔ سهامداران شرکت ممتاز، در سالون خانه آقای جنت خان غروال، عارف ریکشاه ویکن دگر نشسته بودند، غضب از چهرهٔ همهٔ شان می بارید. عارف صدازد رئیس هیئت شما بودید؟ گفتم بلی! درهمین وقت پردهٔ که درین اطاق بود، یک طرف زده شد، شاهزاده احمدشاه برآمدو پرسید همان هراتی شما هستید؟ گفتم بلی! گفت: جرادوسیه را اینطور ترتیب کردید؟ گفتم من تنهانبودم ما از روی اسناد کار کردیم. عارف صدازد رئیس صاحب احتیاط کنید، بسیار کسان از دست ما افکار شده. شهزاده صدا زد برآی دگر نبینمت. از سالون برآمدم پای پیاده به ادارهٔ خود بر گشتم. یک هفته بعد به حیث مستوفی ولایت هرات تبدیل شدم.

دروقت ریاست جمهور پادشاهی داؤد خان برای آقای عظیم نسبت صداقت وی در کنترول همین دوسیه برایش تقدیرنامه تقویض شد. عارف ریکشاه اعدام، جنت خان غروال به ۸سال حبس وچند نفر دگرنسبت همین دوسیه دردوران جمهوری داؤد محکوم شدند. خبر اختلاس این ماجرا توسط جریدهٔ پرچم نشر شده بود.

محمدیوسف آینه سمت استادی وآمریت دروزارت زراعت و وزارت اطلاعات وفرهنگ بالا یم داشت. روزی بعد از افشاء شدن واقعهٔ ممتاز ترانسپورت کاغذی رابدستم داد که برای آغاصاحب برسانم. پرسیدم کدام آغا؟ گفت: محمدرحیم خان رانمیشناسی؟ گفتم: چرا؟ علاوه کرد در پایین منتظر است. پایین رفتم مو تر فوکلس واکن کلاتی را دیدم محمدرحیم خان نشسته، دستگاهی رادیومانندی بدستش آواز مظاهره چیان حزب پرچم را گوش دارد، نزدیک شدم کمی دق خورد. سلام کردم. شیشه مو تر را باز کرد، گفتم آینه صاحب این کاغذ را دادند. تشکرو حرکت کرد. این کاغذ جواب ادعای جریدهٔ پرچم بود. ناگفته نماند آئینه ومحمدرحیم غلام پیچه باسو ته ودانگ به دفتر پرچم که نشد، بلکه فحوی آن بصورت یک اعلان تجارتی در روزنامهٔ آنیس برآمد.

چندروز بعد تعدادی از وابستگان غلام پیچه باسو ته ودانگ به دفتر پرچم که مقابل وزارت اطلاعات وفرهنگ بود، آمدند همه چیز را خردوپاشان کردند، وعمل مشابهی در مرکز شورای ملی به سرکردگی وکیل عبدالقیوم از حکومتی پنجشیر رخ داد، که اعضای حزب پرچم سو ته کاری شدند. من بادو نفر ازرقایم بدیدن وکالی لت خورده به شفاخانهٔ گندنا رفتم، از اتاق بیرک واناھتیا که بستر های شان پهلوی هم قرار داشت دیدن کردیم، جوای و واقعه شدیم. در جواب گفتند، نسبت تفاوت هایکه یخاطر بودجهٔ سال نوین ما بود این حادثه رخ داد. (دنباله در ستون اول صفحهٔ پنجم)

دا کترسخی اشرف زی سید کاغذ
سند یاگو- کالیفورنیا
بررسی دشواریهای ترانزیت ازراه باریکه واخان
رئیس جمهور افغانستان در سفر به چین، خواستار همکاریهای اقتصادی دراز مدت، متوسط حتی کوتاه مدت شد وخصوص افغانستان در پی سرمایه گذاری چین وهمچنان خواستار افتتاح باریکه واخان در چین گردید(شاهراه ابریشم) .
باریکه واخان افغانستان به طول ۷۶ کیلومتر با چین سرحد مشترک داردو افغانستان وبخصوص اطاقهای تجارت آن، واخان راهترین راه برای تجارت بین افغانستان وچین و کشورهای شرق دورخواندو حتی مثال آورد که یک کانتینر اموال تجارتی چین که به افغانستان از طریق بندر کراچی وارد گردد، ۸۰۰۰ دالر مصرف دارد در حالیکه این کانتینراگر از باریکه واخان به افغانستان وارد شود مبلغ دوهزار دالر به تاجرافغان تمام خواهدشد. این ادعای خیلی خوشبینانه ولی سطحی اطاقهای تجارت از چندجهت در حال حاضر امکان پذیر نیست.
اول: از نگاه سیاسی، چین از گشایش باریکه واخان افغانستان در هراس است که اگر گشوده شود، ممکن افراط گرایی اذافغانستان در منطقه جدایی طلبان مسلمان سینکیانک نفوذ کند و مشکل سیاسی را برای چین خلق نماید، بنابراین علت چین کدام تعهدی درمورد گشایش باریکه واخان برای هیئت افغانستان نداده است .

دوم : واخان برای باز کشایی یک شاهراه بدر نظر داشت وضع جغرافیایی، صعب العبور ودرای ارتفاعات بلند است، که بایست از دو کوتل واخجیر به ارتفاع (۸۲۷متر) و کوتل مینگنگ آن طرف سرحد درچین (۵۸۲۷متر) وصل گردد، در امتداد این کوتلها پنجخال های خیلی بزرگ قرار دارد که باید وسایل حمل ونقل ازاین مسیر دشوار عبور نماید، (به مقایسه تونل سالنگ ۳۳۲۳ متر ارتفاع دارد) که این کوتلها بار ارتفاعات خیلی بلند در طول نه ماه برای عبورو مرور ترافیک مسدود است واز نگاه تخنیکی کمبود آکسیجن تردد لاری های بزرگ را به مشکل مواجه میسازد.

سوم: از نگاه اقتصادی باید یک سنجش تخنیکی واقتصادی توسط نهادهای اقتصادی افغانستان صورت میگرفت که آیا پروژه به این بزرگی که یک سرمایه گذاری گزاف را ایجاب میکند و زمانگیر هم است (افلا ده سال) مفیدیت اقتصادی برای افغانستان دارد یا خیر؟ این پروژه مانندراه آهن تاجیکستان اقلا به شانزده تونل ویل های بلند ا ارتفاع ضرورت دارد که در حال حاضر خارج از توان اقتصادی افغانستان است .

چهارم : از جانب افغانستان بدون کدام طرح و یا سروی که قناعت حکومت چین را حاصل کند، وجود نداشت، یایست قبل از عزیمت به چین هیئت افغانستان که در راس آن رئیس جمهور قرار داشت باید پلان ویا پروژه این شاهراه را با شرایط توپو گرافی، ارقام و دینای احصائیوی بطور مشرح به همتای چینی خود ارائه میکرد.

پنجم : از جانب چین قریهٔ ایجیک ابای نزدیک به واخان هم منطقه انکشاف نیافته وصعب العبور که فاقد شاهراه وخط ریل است . آیا چین حاضراست توسط تمندی دیک شاهراه جدید که ایجاب تونل ها را در سمت چین نیز میکند سرمایه گذاری کند ؟

چین که به تمدید خط آهن از جانب قرغیستان وتاجیکستان عبور می کند وبه افغانستان وصل میشود، علاقمند است، برای آنکه کار ساختمان خط آهن در قرغیستان وتاجیکستان پیشرفت خوبی نموده وقسمت زیاد خط آهن در دو کشور تمدید شده وصرف تونلها وپلهای آن در تاجیکستان باقی مانده، که ساختمان پل های خط آهن از چهار سال به این طرف به شدت جاری است وشاید در آینده نزدیک تکمیل شود .

در وصل چین با افغانستان دو طریق بدیل دیگر نیز موجود است که این مسیر به مراتب ایمنوار کننده وبامصرف خیلی کم، به مقایسه راهگشائی باریکه واخان وجود دارد :

اول : شاهراه فیض آباد- خوروگ -مرغاب- قره قل در تاجکستان و سر تاش که قسما در جنوب شرقی قرغیستان قرار دارد که به شهر کاشی چین وصل میشود. در شهر کاشی ارتباط راه آهن وشاهراه بسوی مناطق شرقی چین با کیفیت خوب ترانسپورتی وجود دارد ؛ این مسیر گرچه در بخش تاجیکستان و قرغیستان هم خیلی کوهستانی است، ولی شاهراه موجود است وبرای حمل و نقل لاری های بار کش نسبتاً مساعد به نظر میرسد، که بایست این شاهراه توسط افغانستان تحت مطالعه گرفته شود ویا تاجیکستان وقرغیستان در بخش ترانسپورت به یک تفاهم برسد.

دوم: پروژه بدیل دیگر که چین را باتاجیکستان وافغانستان وصل میکند، پروژه خط آهن تاجکستان – افغانستان وترکمnestان است که این مسیر هم شاهراه ابریشم نام گذاری شده ویک شاهراه بین المللی و مهم برای این سه کشور خواهد شد که از ترکمنستان بطرف شمال افغانستان گذشته واز طریق قندز به خط آهن تاجکستان وصل میشود ودر تاجیکستان از چندین سال است که روی پروژه خط آهن کار جاری است وبخشهای زیاد آن تکمیل شده ودر قسمت شرقی تاجیکستان که به قرغیزستان و چین وصل میشود، مانندافغانستان خیلی کوهستانی ومصرف شکاف نمودن چند تونل وشانزده پل بلند ارتفاع برای عبور خط آهن است، واگر ساختمان این پروژه بسر میرسد، تاثیر خیلی بزرگ اقتصادی رابرای افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان وقرغیزستان خواهد داشت، همین خط ریل است که از نزدیک سرحد ترکمنستان طرف جنوبغرب نیز امتداد خواهد یافت و در بخش خواف افغانستان را با ایران وصل میکند .

این خط آهن ازجین تا بندر بحر ی چاه بهار بطور کل ۲۶۲۰ کیلومتر فاصله دارد وبه اساس محاسبات مقدماتی احداث آن سه ملیارد ودوصد ملیون بر آورد شده .در ساختمان پروژه خط آهن راه ابریشم بر علاوه کشورهای منطقه، بانک انکشاف آسیائی هم سهم گرفته است. اگر این پروژه بزرگ در آینده تکمیل شود، تاثیر بزرگ اقتصادی را برای کل منطقه به شمول چین خواهد داشت .

رازهای نگفته (دنباله از صفحهٔ چهارم)

یکی ازهم کارانم محمد احسان که در تافاش کابل زندگی میکرد. مادرش در باشگاه ملکه وظیفهٔ پاک کاری داشت. قصه میکرد هر گاه ملکه از یک اطاق به دگر اطاق می‌رو، اول دستگیر دروازه را با تینچر پاک میکند. باری سه ماهه معاش کارکنان ارگ پرداخته نشد مادرش این مشکل را به شاه خانم گفته بود. ملکه از موی های وی گرفته چند بار به دیوار کوفته، پدر و مادرش را فحش داد که نان می خوری، آب می خوری چه میکی تنخواه ره.

مرحوم عبدالرحیم آزاد زوی برایم قصه کرد، روزی یکی از رفقای همکارم نزد آمده و خواهان کمکی شد، برایش گفتم به یک شرط، من هم از شما خواهشی دارم، گفت بگو. شنیده ام باغبان خوبی رامی شناسی که درختان را پیوند میزند. گفت بلی درست است، پس یک روز و برابر ام امانت بسیار. گفت به چشم. روزی جمعه وعدهٔ ما بود، بطرف غزنی به باغم رفتیم، درختان زرد الورا با شفتالومی خواستم پیوند زهم. باغبان مصروف کارش شد من به اسپژی شروع کردم برای چاشت شوربایی تهیه کرده تقریبا ساعت یک بعداز ظهر بود، ا آدم تاباغبان رابه نان چاشت باخود بگیرم . دیدم چایکی حلیی رابالای آتش گذاشته جای دم میکند، گفتم برادر من صدایت زدم نشنیدی بیا نان تیار است. ویرا بخود گرفته شوربا را خوردیم. چای آوردم و گفتم برادر چرا (دنباله در صفحهٔ هفتم)

آشنایی با وکیل دعوی جوان وبانرژی
آقای سیدولی رهین، وکیل دعوا ایست جوان، با پشتکار، با تجربه، لایق، و برندهٔ بیشترین قضایای دست داشته اش در محاکم ایالات ورجینیا، نیویارک و نیوجرسی .
برای اینکه هموطنان بیشتری با ایشان آشنایی یابند، و حوزه های کار ویرا بدانند، مصاحبهٔ ذیل با موصوف به عمل آمده. امیداست خوانندگان عزیز از آن مستفید گردند.

سئوال: جناب آقای سیدولی رهین، شما دفتر وکالت دعوا در ایالت ورجینیا دارید. میخواستم توضیح بدهید که چطور به شغل وکالت علاقمند شدید و کی کارتان را شروع کردید و جوقوت به اینجا آمدید؟



رهین: من از افغانستان در سال ۱۹۹۴ به کانادارفتم ودرس خواندم، از یونیورسیتی تورنتو در شق فلسفه وریاضیات فارغ شدم، رشتهٔ فرعی ام درساینس بود. دلیل اینکه به رشتهٔ حقوق چطور مایل شدم، این است که در فاکولته در شق فلسفه، یکی هم مضمون فلسفهٔ قانون بود، با آقندر عمقی که فلسفه دربارهٔ قانون بحث میکند، مرا تشویق کرد تا حق مردم وریشهٔ آن در کجاست، که آهم مذاهب می باشد، لذا فیصله کردم تا به law School بروم، بنابراین در نیویارک لاسکول شامل شده ودر سال ۲۰۰۶ به اتمام رسانیدم، وبعدا بادر یافت لایسنس درهمانجا ودر عین حال بادر یافت اجازهٔ پر کس در دوا ایالت نیویارک و نیوجرسی به کار شروع نمودم.

از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ در یک موسسهٔ کلان وکالت مصروف بودم، که بیشتر موضوعات بزنس بود وقضایای تجارتی، ولی قضایایی که با مردم عادی سرو کار داشته وبتوام مخصوص برای هموطنان افغانم مصدرا خدمت شوم، واحساس خوشی ایکه در حل مضلالت افغانان به دست میدهم، در آنجا نبود.

در سال ۲۰۰۹ از نیویارک به ایالت ورجینیا کوچ کردیم، بحاطراولاد و خانواده . اینجا متوجه شدم که امکان خدمتگزاری به مردم بیشتری موجود است، اما هنوز هم باهمان لافرم نیویارک همکاری میکردم. تا بالاخره تصمیم گرفتم لافرم خودم راداشته ودر خدمت مردم باشم، بنابراین فلسفهٔ حقوقی که خوانده بودم.

سئوال : در کدام رشته های مشخص شما وکالت قبول میکنید؟

رهین : بیشتر کار من در چهار ساحه متمرکز است، یکی مسایل امگریشن است، که در این ساحه هر نوع کیس وموضوعی که باشد، از قبیل مهاجرت از سایر کشورها به امریکا باشد، یا کسی بخواهدسپاسر شود وشخصی رابه امریکادعوت کند، یامثلاً شخصی به حساب اسایلم وپناهندگی آمده ومیخواهد اقامت دایم بگیرد، یادرصد بدست آوردن ستنز نشپ مییاشد، یا کسی در خطر دیپورت شدن و اخراج از امریکا باشد، در همهٔ این مسایل خدمات خود را عرضه میکنیم ولی بطور کل ساحهٔ امگریشن بسیار وسیع وموضوعات گوناگون دارد که نمی شوده‌م آنرا حالا شرح بدهم، مگر هر نوع مسایل مهاجرت را لافرم من پیش میبرد. البته باید خاطر نشان کرد که بعضی از مراجعین فکر میکنند کاریش بردن کیس های امگریشن ساده و فقط پر ساختن چند فرمه وچند امضا است، در حالی که این ساحه باداشتن قوانین و مقرره های بسیار زیاد، یکی از مغلق ترین ساحات وکالت است .

ساحهٔ دوم کاری من، پرداختن به مسایل خانوادگی است، مثل کیس های طلاق، مسایل اولاد ومسایل پولی میان همسرانی که از هم جدا میشوند، اینکه آیتنها طلاق مسایل خانوادگی رامر فوع میسازد . باینکه راههای حل دیگری هم موجود مییاشد، وما قادری باشیم بعضا چنین قضا یا راباخوشی همسران، چه مرد وچه زن، حل نماییم.

اصل مسلم در همه امور زندگی در ایالات متحده موجودیت قوانین زیاد و مفصل است، و البته هیچکس قادر نیست تمام حقوق ومزایای قانونی را که می توانناز آن استفاده کند، بدانند، و بسا از مواد مهم قانونی در ساحات مختلف زندگی رابه سادگی درک نماید. این رامن به تجربه در یافته ام، که مراجعین گرامی اکثراً وقتی در هر ساحهٔ مشکل پیدا میکنند ومی آیند بامن مشورت مینمایند، هنگامی که از راههای متفاوت حل مشکلات شان بنابر مواد قوانین مختلفه آگاه میشوند، به اصطلاح چشم شان باز میگردد.

ساحهٔ سوم کاری لافورم ما مسایل ترافیکی و تصادم مو تراست، وما مراجعین زیادی درین بخش داریم . درین ساحه نیز قوانین ومقررات بسیاری موجود است، که هر مسأله رانظر به نوعیت آن بررسی کرد. مثلاً در یک تصادم دومو تر، هر دو جانب به مقررات مربوطه، مسایل بیمهٔ هر دو طرف، جگونگی تثبیت خطا کار ومتضرر، احیاناً تشخیص اینکه کدامیک مسئولیت پرداخت هزینهٔ شفاخانه و امبولاس را دارد هر شخص آقندر دانش تخنیکی لازم ندارد، تاموضوع راحل کند. ما در همهٔ این ساحات به مراجعین یاری لازم را رسانده ایم ومیرسانیم. باید اینرا هم توضیح بدهم که درین کشور هر کسی صاحب مو تراست مجبور است انشورنس مو تر داشته باشد. و یا ز هر کس سعی میکند که حداقل بیمه را بپردازد، و کمپنی های بیمه هم خوش دارن د تا حداقل انشورنس رابگیرند، و از پرداخت خسارات عمده به مو تر یا اشخاص خود را فارغ سازند.

به خیلی از مراجعین خود گفته ام که اگر بیمهٔ بهتر با به اصطلاح کورج یا پوشش زیاد تر بگیرند، نقمش در هنگام تصادم، به خودشان میرسد، باید هم همه کوشش کنیم تا بیمه یا انشورنس مو تر خود را با پوشش زیاد تر داشته باشیم، و از پرداخت هزینه های خیلی زیاد در هنگام تصادم خود را بیغم بسازیم.

ساحهٔ چهارم کاری (رهین لافورم) در رابطه با بزنس است، اگر کسی میخواهد بزنس نویخرد، یا بزنس خود را بفروشد، باینکه بزنس خود را چطور پیش ببرد، یا قراردادهای بزنس خود را با بزندهای دیگر چگو نه بنوسند تا از خطر های بعدی ممکنه حفاظت شوند، مشکلاتی که احیاناً با کارمندان و کارکنان شان پیدا می کنند، نیز ما می توانیم کمک کنیم .

البته قضایای بزنس نیز بسیار از هم متفاوت مییاشند، مثلاً قضایای یک معاينه خانهٔ داکتر، باقضایای یک گازستیشن، بامغازهٔ مواد خورا که با یکدیگر یکسان نیست، هر کدام مسایل خاص خود را مییادشته باشند، که قوانین ومقررات برای هر یک جدا ومشخص است. در تمام این ساحاتی که عرض کردم، (رهین لافورم) حاضر به همکاری و خدمت می باشد . (دنباله در صفحهٔ ششم)

دا کتر غلام محمد دستگیر

تفکیک وقوع بعضی از حوادث در زمان مجاهدین و ویرانی کابل (۵)

وطنداران عزیز ونهایت گرانقدر: درین قسمت شما مطالعه میفرمائید که چه رویداد های مهم وسرنوشت ساز در سال ۱۹۹۶ رخ داد. مثل همیشه قضاوت را به شما میسپارم : در سال ۱۹۹۶: روز ۱۰جنوری، قوماندان قوای حکومتی احمدشاه مسعود برای ختم جنگهای داخلی در کشور به تمام طرفهای متخاصم یک طرح صلحجویی چهار فقرهٔ پیشنهاد کرد که مشتمل بود بر: ۱- آتش بس؛ ۲- باز نگهداشتن شاهراه ها؛ ۳- مبادلهٔ زندانیان؛ ۴- و ادامهٔ مذاکرات صلح؛ این پیشنهاداز همه بیشتر توسط گلبدین رد شد.

روز ۱۴جنوری تمام جناحهای مخالف رئیس جمهور ربانی در پاکستان استعفا ی اورا تقاضا کرده گفتند احمدشاه مسعود نیز باید کابل را ترک نماید (از خاطر بکه آنهائغیر پشتون اند وبادارشان پاکستان این پیشنهاد راطرح کرده بود)؛ ۱۷ جنوری هیأت متخصصین UNOCAL امریکائی برای مطالعهٔ پلانهای احداث لوله های گاز وقت از ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان رسیدند، ۲۳ جنوری به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان رئیس جمهور ربانی آتش بس یکجانبه اعلان کرد(که با بدهم در ماههای حرام جنگ باید صورت نگیرد)، اما طالبان (چه مسلمانهای؟!) پیشنهاد را قبول نکردند، ۲۶ جنوری ملل متحد پرو گرامهای خود رامواجه خطر دیده و اظهار کردند که جامعهٔ بین المللی باید ازامکان وقوع یک فاجعه در آیندهٔ نزدیک در کابل آگاهی داشته باشند، ۲۷ جنوری از جملهٔ سه صد لاری مواد امدادی برای پایتخت دوصد لاری آن رسید، ۳۰ جنوری محمود مستری نمایندهٔ خاص ملل متحد بمنظور ادامهٔ ماموریت خود جهت برقراری آتش بس وانتقال قدرت بیک شورای حکومتی بکابل رسید. رئیس جمهور ربانی باز هم یکبار دیگر (بار چهارم) تأیید کرد که حاضراست قدرت دولتی را با چنین شورای انتقال دهد مشروط بر اینکه تمام جناح ها در مورد چنین پیمان صلح موافقت کنند۴۶.

۷فبروری دوستم جهت مذاکره و مفاهمه با جناح های مهم افغان که مخالف استادربانی اند وملاقات با مقامات حکومت پاکستان عازم آنکشور شد. ۱۰ فبروری رهبران جهادی بشمول جنرال دوستم از جنبش، گلبدین از حزب اسلامی، پروفیسر صیغت الله مجددی از جبهه نجات ملی ویک نماینده از حزب عمدهٔ اهل تشیع در پاکستان باهم دیدن کردند، ۱۳فبروری شورای امنیت ملل متحد برای بار دوم در چهار ماه تحت ریاست مدلین البرایت نمایندهٔ دایمی امریکا در ملل متحد تشکیل جلسه داده از توسعهٔ جنگهای داخلی در افغانستان و بصورت خصوصی در ناوحی شهر کابل تشویش خود را ابراز کرد (که راه حل نبود، تنها از گپ جبری بار نمی آید)، ۱۶فبروری کمکهای بشردوستانهٔ ملل متحد از طریق پاکستان وارد کابل شد. ۱۹فبروری ایران بمنظور آشتی دادن وزرای خارجهٔ افغانستان و پاکستان آتهارابه تهران دعوت کرد. ۲۴فبروری شبکه های تلفونی قندهار وهرات با پاکستان وصل گردید و تماسهای تلفونی از کشور های خارج با این دوولایت از طریق کودنمربین المللی در پاکستان صورت میگیرد، ۴۶ (به این ترتیب پاکستان میفهمید کی از کجا با کی تماس میگردد).

۲ مارچ در بغلان زدو خورد هایی بین طرفداران حزب اسلامی گلبدین وملیشای ازبیک رخ داد. ۳مارچ رئیس جمهور ربانی بدعوت مقامات دولتی ایران برای یک سفر رسمی عازم تهران شد، تهران از نفوذ کشورهای خارجی مثل عربستان وامریکا در افغانستان به هراس بوده از اثربیشروی طالبان در ولایات مختلف؛ روابط تهران و کابل رویه انکشاف میرو. ۱۲مارچ مرکز طالبان در چهار آسیاب تحت بمباران قوای حکومتی قرار گرفت. ۱۷مارچ در جلال آباد گور دستجمعی کشف شد که مربوط دورهٔ تسلط کمونستها پنداشته میشود. ۲۶مارچ در مورد امضای موافقتنامه با حکومت رئیس جمهور استاد ربانی کمیتهٔ اجراییهٔ حزب اسلامی برای گلبدین صلاحیت عام و تام اعطا کرد۴۶.

۸اپریل دوا بر نمایندگی ملل متحد از پاکستان دوباره به جلال آباد برگشت، ۱۱ اپریل قوای حکومت یکحصهٔ از ولایت غور را از تسلط طالبان آزاد کرد۴۶.

۱۳می. حزب اسلامی گلبدین با(احزاب شورایعالی همکاری) که متشکل از نجات ملی، جنبش و وحدت بود قطع رابطه کرد. ۲۰می کاروان متشکل از پنج لاری و ۷۵ تن مواد امدادی بعد از آنکه دوسال از طرف قوای دوستم در شمال معطل ساخته شده بود، تونل سالنگ را عبور کرد. ۲۴ می محمود مستری نمایندهٔ خاص ملل متحد برای افغانستان از وظیفهٔ خود استعفا داد. روز ۲۴ می استاد ربانی و گلبدین در ماهیرمو افتنامهٔ صلح را امضا کرده به قطع دشمنی باهمدیگر موافقه کردند، طی این موافقتنامهٔ همکاری طرفین بمنظور تشکیل یک حکومت مؤقتی و اردوی ملی اسلامی پیش بینی شد. همچنین در عین روزو تاریخ طالبان بعضی از سران مخالف دولت چون مولوی محمد یونس خالص، پیر سید احمد گیلانی و پروفیسر صیغت الله مجددی را بمنظور تشکیل یک اتحاد دعوت بعمل آورد تا در قندهار جهت مفاهمه دورهم جمع شوند. ۳۰می اولین دانشگاه در بامیان به کمک مالی ایران افتتاح شد. ایران علاوهٔا در تعمیر مجدد ۱۲۰صنف برای ۴۰۰۰ شاگرد در سطح ابتدائی وعالی در بامیان شده سهم شد۴۶.

۸ جون، پاکستان احداث جاده ای را بطول ۲۰۰ کیلومتر اعلان کرد که گرم چشمهٔ جنرال رابه تاجکستان عبوراز واخان در شمال شرق افغانستان میگذرند، وصل خواهد کرد. ۲۵ جون قوماندان رسول پهلوان معاون دوستم در مزار شریف بقتل رسید. ۲۷ جون گلبدین بحیث صدراعظم مراسم تحلیف (قسم دوم) را در حالی بجا آورد که بر جردی معاون وزارت خارجهٔ ایران که در آشتی دادن رئیس جمهور ربانی و گلبدین رول مهم بازی کرد نیز حاضر بود. ۲۸ جون استاد ربانی در جلال آباد با سه حزب شورای ننگر هاریعنی حزب اسلامی خالص، حرکت انقلاب اسلامی ومحاذ ملی ملاقات نموده از ایشان دعوت کرد تا به حکومت متحد شوند۴۶.

۳ جولای در کابینهٔ جدید ۱۰عضوی رئیس جمهور ربانی، صدارت به حزب اسلامی حکمتیار، وزارت دفاع ومالیه به حزب جمعیت اسلامی، وزارت های داخله وخارجه به حزب اتحاد اسلامی سیاف، وزارت های معارف واطلاعات وفرهنگ به حزب وحدت استاد اکبری و وزارت پلان و کار وامور اجتماعی به حزب حرکت اسلامی تفویض گردید. ۱۴ جولای به امر صدراعظم گلبدین سینماها بسته و بخش موسیقی در تلو زیون ورادیوی ملی ممنوع اعلان شد. ۱۷ جولای اعلان شد که در مزار شریف (جبههٔ جدید صلح) بعضویت احزاب محاذ، جنبش، نجات ملی، و وحدت وشورای ننگرهار تشکیل میشود. ۲۳ جولای نوبر هال (رابرت هال) بعوض محمود مستری بحیث نمایندهٔ مخصوص ملل متحد بکابل آمده وبعدأ در شیرغان با دوستم ملاقات کرد. ۳۱ جولای در سنگچارک بین قوای دولتی و افراد دوستم زدو خورد صورت گرفت۴۶.

۲۸ اگست شورای ننگرهار متشکل از ولایات ننگرهار، لغمان، کنر ونورستان بیطرفی خود را در کشید گیهای بین دولت کابل وطالبان اعلام کردند

۱۱سپتمبر ظاهر شاه اعلان کرد بزودی ممکنه عازم کشورش میشود(به اینصورت از یکسویاسفر سردار ولی در پاکستان وبعد ملاقات وزیر خارجهٔ پاکستان با شاه سابق ظاهر خان در روم واز جانب دیگر هم این اعلان برگشت پادشاه اسبق به وطن. ملت افغانستان را به این موضوع که طالبان اویاع سا کرو فادار(دنباله در ص هفتم)

برادران ناراضی = مخالفان سیاسی (دنباله از صفحهٔ دوم)
ویک شخص معلوم الحال ونو کرطالپهاست ! و یکی هم حمید لالی، که از مخالفان سیاسی خواندن طالبان مزدور توسط غنی احمدزی جانبداری کردند. اکثریت مطلق احزاب سیاسی وصاحبان نظر مخالفان سیاسی خواندن طالبان و وطن پرست شمردن طالبان را حرف و گفتار سخیف وی معنا شمرده اند، چرا که این گروه مزدور معتقدبه حقوق بشروحقوق زن ودمو کراسی و قانون اساسی و معتقدبه حق رأی برای مردم نیستند، اینهاهنوزهم امیرالمؤمنین خود راامیرالمؤمنین می شناسند، حقوق سایر اقوام رابه رسمیت نمی شناسند، اینهادر زمان حاکمیت شان زبان فارسی دری را کاملاً از رسمیات اخراج کرده و فقط پشتورا برقرار ساختند، هزاران پاکستانی وعرب و آدمکشان دیگر کشورهارا در وزارتها وادارات افغانستان جادادند،... حالا هویت سیاسی بخشیدن به این جانیان ووطنپرست خواندن آنها، جنایت درحق مردم افغانستان است، نه چیزی بیشتر.
قانون اساسی افغانستان اپوزیسیون سیاسی، یعنی مخالفان سیاسی بگفتهٔ احمد زی، راجان تعریف میکند که یک گروه باداشتن اهداف وبرنامج منظم سیاسی، به منظوراین که جای حکومت برحال راز طریق مبارزهٔ سیاسی بگیرند، مخالفان سیاسی خوانده شده است.

باید پرسید آیدار جهان مخالفان سیاسی یک حکومت اجازه دارند دست به قیام مسلحانه وجنگ علیه آن حکومت علناً براه اندازند؟ بهیچ وجه چنین نیست. درتمام کشورهای متمدن تعریفی که از مخالفین سیاسی وجو ددارد، واحمدزی کاملاًچشم از آن پوشیده، مخالف سیاسی کسی نیست که بزور وسلاح وبشتیباتی کشوردیگریخواهد یک نظم سیاسی رابراندازد وخودجایش رابگیرد. اینهادرواقع مطابق شریعت هم باغی ومتمرد هستند ومطابق تمام قوانین مدنی گیتی یحیث کسانیکه جنایت ضد دولت راانجام میدهند، ضد امنیت داخلی دولت میباشند، موردحما که قرار میگیرند، حتی درقانون جزای کشورصراحتاً درفصل مربوط به جرایم ضدمنفعت عامه، وجرایم ضدامنیت خارجی دولت گفته شده که اشخاصیکه به حمایت ومنفعت کشوردیگری علیه دولت افغانستان قیام مسلح می کنند، به اعدام محکوم میشوند. اگر اشخاصی به نفع خارجی جاسوسی بکنند به اعدام محکوم هستند. به این ترتیب این اشخاص که جنایت ضدبشریت، ضد افغانستان وضدملت ما، باصاحتی آی اس آی و جنرالان پاکستان انجام میدهند، همگی طبق قانون کشور، باید محکوم به اعدام شوند، نه اینکه مخالفان سیاسی ووطنپرست اعلام گردند. اعلام کنندهٔ این صفات درحق این جانیان، بیشتراز خود این جانیان باید محکوم به اعدام شود.
/

آشنایی بلوکیل دموای جوان (دنباله از صفحهٔ پنجم)
سئوال: شما تاحال قضابای زیادی رادر ساحت متفاوت در محاکم برده واز مؤ کل تان دربرابر قضات دفاع کرده اید. میشودپرسم که با کدام درصدی، دفاعیات تان به نفع مؤ کلین تان بوده، و با کدام در صدی به اصطلاح دوسیه را باخته اید؟
رهبن: الحمدلله باطمینان میگویم که به لطف خداوندمهربان(ج) از دوسیه هایی که در محاکم دفاع کرده ام، ۹۷تا ۹۸ درصد کامیاب بوده ام، ومو کلینم از کارم رضایت داشته اند. لازم است یادآور شوم که عمده ترین علت کامیابی یک وکیل در محاکم، کمک خود مؤ کل است، که تمام نکات قضیهٔ خود را به روشنی به وکیل میگوید هیچ مسأله رادر مورد پنهان نمیکند، واگر کدام گوشهٔ از ماجرای قضیه فراموش شده، به مجردی که یادش آمده، فوراً به وکیل خبر داده و آنرا بصورت مشر ح توضیح میکند. این امر مهمترین نکته است چرا که وکیل با آشنایی کامل بر قضیه اشرف حاصل کرده، وبامطالعهٔ تمام مواد قوانین مربوطه را پیدا کرده وشامل دوسیه میسازد، ودر نتیجه دربرابر قاضی به اصطلاح با دلایل وشواهد بسیار مقنع ومعقول می ایستد، واز مؤ کل خود دفاع مینماید.
موفقیتی را که (رهبن لافورم) همواره داشته، نیز دلایل همین است که مؤ کل در بارهٔ هر گوشهٔ از قضیهٔ مورد بررسی راست گفته، هر زمانی که صحبت با او لازم بوده، به دفتر آمده، اسناد وشواهدی را که لازم بوده، در وقتش به ما سپرده، چیزی یا مسألهٔ را که بعداً مشکل حقوقی پیدا کند، پنهان نکرده ودر تهیهٔ دفاعیات همکاری کامل با ما کرده اند. آن دویاسه درصدی را که ناموفق بودیم، دلیل عمده اش عدم همکاری مؤ کل، عدم صداقت در توضیح قضیه، پنهان کاری و غفلت خودشان می باشد.

سئوال: یعنی چنین مؤ کلین معلوماتی را که شما لازم دارید به شما نداده وبعضاً مسأله را آنچنان که اتفاق افتاده، به شما توضیح نکرده وپنهان کاری کرده اند؟
رهبن: دقیقاً. این مسایل نه تنها در کار ما بلکه در کار هر وکیل دعوا صادق است.
سئوال : شما برای مراجعین در سایر ایالات نیز ارائهٔ خدمت میکنید؟

رهبن: مسایل امگرتشن درسراسر امر یکاقوانین یکسان دارد ومیتوانیم قضیه رادر هر کجایی که باشد پیش ببریم. اما سه ساحهٔ دیگری را عرض کردم، قوانین مربوطهٔ شان درهر ایالت متفاوت است. در سه ایالت ورجینیا، نیوجرسی و نیویارک، ونیز واشنگتن دی سی، لایسنس و کالت داریم، اما در کل میتوانیم هم وطنان رازهر ایالتی که در آن سکونت دارند، یاری برسایم. مثلاً بعضی از هم وطنان از ایالات دیگر، حتی از کالیفورنیا به مازنگ مینزند، وطلب مشوره می شوند، بعضاً حتی مسایلی که خارج از چهار ساحهٔ کاری ما که پیشتر گفتم، مطرح میسازند. مثل کسی بنابر مسایل تبعیض از کار اخراج شده، یا شخصی مشکلاتی باآی آراس در حصهٔ نکس ومالیات برعایداتش میداشته باشد، ماسعی می کنیم تادقیقترین مشورت ممکنه رابرایش عرضه کنیم، و تا آنجا همراهی نمایم که مثلاً یک وکیل لایق در منطقهٔ که زندگی میکند، برایش پیدا نموده وبآن وکیل نیز تماس گرفته ومعضلهٔ مربوطه راشر ح بدهیم. افزون بر آن هیچکس بشمول وکلای دعوی تمام قوانین را هزمان درحافظه نمی داشته باشد، هرگاه موضوعی به وکلا ارجاع میشود، نظربه نوعیت قضیه، آنان متن قوانین همان موضوع رامیخوانند ودوسیه رامتکی به مواد آن قانون تهیه میدارند.

سئوال: برای مؤ کلین آیندهٔ تان در چهار ساحهٔ کاری(رهبن لافورم) چه توصیه هایی دارید تا قبل از مراجعه باشما، هنگام بیان قضیه به شما، و کارهایی که برای تهیهٔ درست دوسیهٔ مربوط انجام بدهند؟

رهبن : خواهش من اینست که مؤ کل محترم برای اینکه کاربرای خودشان ومن آسان شود، پیش ازپیش لیستی ازسئوالهایی که یک وکیل میتواند از مؤ کل داشته باشد، ترتیب و آماده بسازد در مسألهٔ که به وکیل ارائه میکند. البته همراه داشتن تمام اسنادومدارک مسأله کار را راحت ترمیگرداندم برای خودشان وهم برای وکیل. این کارها وقت کمتر رامیگیرد ودقت وکیل رابیشترمیسرمسازد. بطور عموم توصیه ام اینست که هر مؤ کل وهر شخص حقوق قانونی خود رادر تمام مسایل بدانند ودرک کند، بخصوص در چنین مملکتی که هیچکس نمیتواند حقوق قانونی شخصی رازش بگیرد، وبایدشخص در گرفتن وحفظ حقوقش هوشیار باشد. یک مسأله ایکه پیش میاد از کسی مشوره وکمک بگیرد که در آن مسأله بصورت علمی وارد است، نه اینکه از همسایه یا همکار یا دلسوز دیگر که آشنایی مسلکی به مسأله ندارد، پرسید وبه گفته او عمل کرد. ما اکثراً می بینیم بعضی مراجعین هنگامی باماتماس میگیرند که کار را باتوصیه های اشخاص ناوارد به مسأله خراب ساخته، که درست ساختنش فرصت زیاد، هزینهٔ زیاد و سود کم در قبال دارد. بنابر همین دلایل توصیهٔ من منجیث یک وکیل دعوا و وار دبه قوانین امریکا، این است که اگر مشکلی برای شخصی پیدامیشود، نباید به

گفتار و رهنمایی کسانیکه به حقوق وقوانین آشنایی ندارند اقدام به کاری بکنند، که هم وقت شان ضایع میشود وهم پول شان . باید پیش ازپیش برای جلوگیری از خسارتهای بعدی، با وکیل تماس گرفته شود، وبر اساس قانون مسأله پیگیری گردد. ان شالله تعالی.

– آقای سیدولی رهبن، تشکر از صحبت تان، از خداوند تعالی برای شما وهمکاران آرزوی توفیق بیشتر می نمایم.
/

طلبان رامخالف سیاسی خواندن ... (دنباله از صفحهٔ دوم)
و فکر میکنند در راه درستی قدم میگذارند، امامتأسفانه نا آگاهانه در مقابل کشور شان میجنگند، یا آنها ییکه به زور وتهدید کشتن فامیل های شان، مجبوره حملات انتحاری میشوند، برادران افغان هستند، وباید حکومت وحدت ملی، تدبیر واندیشهٔ مدبرانه بکاربرد تا این عده را از طالبان خونخور پاکستانی جدا سازند.
محترمانه از جلالتمآب احمدزی پرسیده میشود: آیا کشوری رادرین کرهٔ خاکی سراغ دارند که مخالفین سیاسی آن بجای انتقاد واعتراض از پروگرامهای حکومت وقت، کشور شانرا ترک گفته به کشور مجاور پناه ببرندوبعد با کمک استخباراتی ونظامی و باتوب و تفنگ آنها برای احراز قدرت، به هزارها هزار مردم بیگانه شانرا قتل و کشور شانرا ویران نمایند؟! محترم غنی احمدزی رئیس حکومت وحدت ملی انتصابی ما در کنفرانس چین بهترین فرصت داشت تا از واقعبیت طالبان که فعلاً همهٔ جهان میدانند که آنها کی اند؟ دست کی رادر قفا دارند و برای چه منظوری با کشور ما در جنگ وستیز اند! با جرئت یاد میکرد و کمک ویاری آن کشور هامخصوصاً چین رادر حل این معضله باشعار آوردن به کشور همسایهٔ نامرد ما پاکستان، مطالبه میکرد.

با یاد کردن مخالفین سیاسی به طالبان، وجنگی را که ریشه خارجی دارد، جنگ و معضله بین الافغانی خواندن، در حقیقت تیشه بر پای خود زدن و چاقوی پاکستان رادسته دادن است، وما گذشته ازینکه از این تعریف غلط خود از طالبان واز همه مداخلات یشرمانهٔ پاکستان چشم می پوشیم . متأسفانهبرای خوش ساختن آنها تهمت بزرگی بخود میزنیم وبه این قسم به این جنگ تباهنک دوام بیشترویشتر می دهیم.

از اوضاع چنین معلوم میشود که این حکومت وحدت ملی نوبنیاد در حل این معضله بزرگ(طالبان) و بسیار موضوعات مهم دیگر کشور تا حال کدام طرح وپلان مشخص ندارد، وطوری که می بینیم احمدزی بدون در نظر داشت عبدالله، که در حقیقت حکومت وحدت ملی با قدرتهای مساوی برای هر دو شان رقم زده شده است، استفادهٔ سوء کرده، کوچکترین ارزشی به او قابل نمی شود، و مثل کرزی خود را رئیس جمهور انتخابی بکه تاز میدانند. (در حالیکه اورئیس حکومت وحدت ملی انتصابی است.) هر چه دلش میخواهد میکند، هر کی را خواسته باشد به پستهای مهم کشور(غیر از کابینه) مقرر میکند، وهر جا دلش بخواهد میروند وحتی عبدالله در غیاب او سرپرست حکومت، که به اساس موافقات امضاشده حق مسلم اوست، محروم میسازد ومعاون بیسواد او از او نیابت میکند.

لهذا به احتمال قوی رفتن احمدزی به پاکستان، که قبلاً برای خوش ساختن بداران طالب، طالپا را، به یقین بدون مشوره باعبدالله، مخالفین سیاسی خوانده، کوچکترین اثر ثمربخش نخواهد داشت، ومثل سیاستهای کجدار و مریز کرزی همیشه راه مابه ترکستان است، واین زخم ناسور را درمانی نخواهد بود.
/

منارهٔ جام (دنباله از صفحهٔ چهارم)

آن خشتهای به رنگ فیروزه یی و گلآبی و دیگر رنگهای مرغوب دیده میشود. هم چنان سورهٔ نزد هم کلام الله شریف در نمای بیرونی آن برنگهای برجسته نگاشته شده است.

آگاهان و آموزش دیدگان ولایت غور، از علی سمرقندی معمار مناره یاد کرده ومدت ساختاری این بنا راهفت سال میگویند. منارهٔ جام که حالاتک و تنها در کنار آبهای خروشان هریرود باقامت لرزان ایستاده، روز گاری یکی از برزاندگان فرهنگی واسلامی بوده که در کنارهٔ آن دهکده های سبز وخرم جاداشته، امانتانی از مسجود یادیگر امکان مقدسه در اطراف آن دیده نمیشود. هر مسجدو معبد ومناره ومغاره متصل آب و در فضای دل انگیز جغرافیایی آن منطقه آباد شده است، که غنایم تاریخی مان یابرای هیبت وشأن پادشاهی ویاترصد گاه نظارتی وبابا تأسیس اما کن مقدس مذهبی نباشده اند.

منارهٔ جام از قاعده تابالا زینه های پیچاپیچی باماریچ داشته، که تعداد زینه هارا هشتاد پله وانمود میدارند. زنده یاد استاد خلیل الله خلیلی از قول یکی از نشریه های داخلی مینویسد که منارهٔ جام توسط اندره مار یک دانشمند بلژیکی در سال ۱۹۵۷ کشف شده است. این قلم نیز باجناب پروتو نادی همنظر هستم که منارهٔ با این قد و قامت و استواری راشخصی از بلژی یک آمده و کشف کرده؟ این کوهپایه ها و دره های شاداب که متصل در یاهابوده، از سده های دور بدینسو، اهالی غور، هرات، بامیان وسیستان در ایاب وذهاب بوده اند، حتمی است که کسی یا کسانی در آن منطقه از این مناره دیدن کرده و آنرا با اهالی گردونواح خویش در میان کشیده باشد.(۲)

روانشاد عبدالحی حبیبی در کتاب تاریخ جغرافیای افغانستان نوشت:«اندری مار یک باستانشناس بلژیکی در سال۱۹۵۶ با همکاری جی ویت بر ملتقای جام رود وهریرود به تماشانشستند ودر بارهٔ منارهٔ جام مقالتی را بنام(منار جام و کشف سلاطین غوری) در مجلهٔ باستانشناسی فرانسه در افغانستان، جلد ۱۶ طبع پاریس معرفی نموده ورأی بر آن دادند که موقعیت شهر تاریخی فیروز کوه باید در حدود منار جام باشد، زیرا نام سلطان غیاث الدین سه بادر منار جام حک شده است.(۳) استاد حبیبی به استناد از اسناد نشر شدهٔ دیگر مینوسند ر قاطع رود جام وهریرود که منارهٔ جام قرار دارد، و همچان در نزدیکی کوهپایه هارده ای شاداب این منطقه کوشک ها، بازارها ومزکت هافرار داشته وباعلامی و آثار مخروبه که موجود است، نمای یک شهر و شهروندی رابه نمایش میگذارد. آگاهان باورمند اند که شهر فیروز کوه (حضرت فیروز کوه) در همین نواحی موجود بوده که از منارهٔ جام چند کیلومتر بیشتر فاصله نداشته است.(۴)

فیروز کوه مدت نیم قرن مرکز جهانباتی شاهان غوری بود که قصر هایشان بنام کوشک و ارگ معروف بوده است. این قصر هادر بالا کوهها که بدافند خوبی داشته، چنانچه قصر سلطانی در جوار(آزاد کوه) بوده است. در آنسوی آزاد کوه مهاجمان در ترصد بوده اند تا سلطان غیاث الدین رادر کوشک سلطانی اش از یاد آورند، که همین طور هم شد. تمام جغرافی دانان عرب وعجم از موقعیت فیروز کوه و موجودیت منارهٔ جام حرفی به میان نکشیده اند که در اوایل سدهٔ ششم از عظمت وبژهٔ بر خوردار بود. اما سیفی هریوی وحافظ ابرو و یاقوت حموی از حضرت فیروز کوه سخن رانده اند. حموی مینویسد (معنی فیروز کوه جبل ارق است وبه زبان مردم خراسان فیروزه به معنی زرقه باشد. فیروز کوه قلعهٔ بزرگی است که در کوهسارین هرات وغزنه که حکمرانان این نواحی بر آن نشینند). فیروز کوه در هجوم چنگیز خان بکلی از میان رفت که تا امروز هم از موقعیت اصلی آن پاسخ روشنی بدست نیامده است.(۵)

باید تذ کردا که شاهان غوری مراکز دیگری همچون شهرهای آهنگران وزمین داور فرمان میرانند. آهنگران طوریکه از نام آن بر می آید، در ساختن سلاح

هاومهمات جنگی شهرت دارد، که در آنجا زره وخود و جوشن و دیگر سلاحهای مشهور آن زمان ساخته میشد.
/

ازرق: کبود رنگ، رنگ آسمانی – حضرت = به معنی پایتخت.

(*) :مناره = بافتح میم از واژهٔ (منار) بافتح میم اخذ شده که یکی معنی آن به (برج روشنی انداز) باشد. منار در اصل جای روشنایی، محل نور بوده است. اما مناره معنی ستون بلند، گلدهته وهم ساختمان برج ماندی که در کنار مساجد ومعابد میسازند و در آن چراغ نصب می دارند، تا زبالای این گلدهته ها آذان گفته شود. مگر(منار) که از نور و روشنایی آمده، مراد از برجی است که برای رهنمایی گذر گاهان و مسافران و کاروانیان آباد شده، که در حقیقت فانوس دریایی رامانند است.

۱- نشریهٔ گلستان، منتشرهٔ کانادا، شمارهٔ ۹-۲۰، صص ۱۳۷۴
۲- نشریهٔ سباوون، شمارهٔ ۲ و ۱۳۸۱، ۳، پروتو نادی صص ۵۷ تا ۸۳
۳- جغرافیای تاریخی افغانستان، عبدالحی حبیبی، پشاور، ۱۳۷۸ص ۳۷۹ – ۴- همین مأخذ ص ۳۸۰.

شیرای شرح بیشتربنگرید به طبقات ناصری: ص ۳۷۷، کابل، ۱۳۴۲.

ع- جغرافیای، ص ۳۷۸

توضیح ضروری: در یکی از دیدارهایم باجناب مرحوم عبدالله ملکیار، از زبان مبارک شان شنیدم که گفتند: وقتی برای اولین بار بنایب الحکومهٔ هرات شدم، در یکی از مسافرتهایم به اطراف هرات وغور و بادغیس، در کنارهریرود، منار جام را دیدم، ابهت آن اعجاب مرا افزود، ومتأسف شدم که حال آن بنای باستانی وتاریخی راروبه خرابی دیدم. شادروان ملکیار یادآور شدند: وقتی به برای اجرای اموره کابل برگشتم، از موضوع به علیحضرت وصدر اعظم صاحب گفتم، هردو علاقه گرفتند، مگر متأسفانه کدام هدایتی برای حفاظت ومرمت آن داده نشد. تاریخ دقیق آن دیدار بخاطر م نیست، ولی سال آن حتماً ۱۹۹۷ بود.

وقتی تاریخ کشف منارهٔ جام در مقالهٔ بالا به سال۱۹۵۶ مشخص شده، یقین دارم که نقش جناب ملکیار در کنشاندن باستانشناس بلژیکی به غور، مرکزی واصلی است، زیرا مرحوم شاه سابق به آثار باستانی علاقه ویژه داشته، وحتماً به ریاست مستقل مطبوعات آن زمان سفارش نموده تا کدام باستان شناس خارجی را مأمور تحقیق دربارهٔ منارهٔ جام بکند.
محمود قوی کوشان
/

تلویزیون ژونخون (دنباله از صفحهٔ چهارم)

وشورش نموده بودند، ونادر رابرای بقدرت رسیدن همکاری کرده بودند، از این دعوت هاشم خیلی خوشحال شدند وهمه دانشمندان، بزرگان و اشخاص چیز فهم خود را که تعدادشان به بیش از چهارصد نفر میرسید، جمع وبکابل فرستادند. وقتی اینهابکابل آمدند، دیگر به هزاره جات نرنگشتند وهاشم ایشان راجنان نابود کرد که تا کنون کسی نمیداند که بالای آنان چه واقع شد و قبر ایشان در کجاست ! هاشم این قتل عام را بخاطر انتقام برادر کرد، چون عبدالحق شهید هزاره بود. ازین به بعد هاشم هزاره هارا بدمیدید وشمولیت اولاد هزاره رادر مکاتب حربی، وزارتهای حربیه وخارجه ممنوع قرارداد.

روزها وسالها از این استبداد وظلم گذشت وعدات خداوندی(ج) چنان بود که قبر نادر در طی کمتر از دهسال سه بار باتوب پرانده شد و در آنجایی که عبدالحق شهید رادر قفس او ریخته بودند، مردم جمع شدند ومسجدی آباد نمودند که روز پنج باراز مناره های آن صدای الله اکبر بلند میشود. نادر خصوصت عبیقی بامان الله انگلیسها تقاضا کرد تا او وفامیلش را حماهٔ مالی نمایند، وبگذارند که ایشان در غربت ویچارگی بسر ببرند. انگلیسها این تقاضای نادر را پذیرفتند ومخالف عنعنهٔ آن زمان که انگلیس هر شاه مخلوع وفرار را همکاری مالی مینمود، امان الله خان وخانواده اش راهمکاری مالی نکرد، و امان الله خان به درد وطن و بیماری گرده در غربت وهجرت جان داد.

دشمنی دربرابر امان الله خان در تمام خانوادهٔ برادران دیره دونی شیوع یافته بود، وبیشتراز محبویت امان الله خان درین مردم وهمکار زبردستش محمود طرزی نشأت میگرفت. امان الله خان به خصلت خیانت گرایانهٔ نادر وبرادرانش پی برده بود و از ایشان خوش نبود تا آخر عمر از نادر و خانوادهٔ او ناراض بود. حتی زمانیکه نادر حیلّه سنجید تا به شکلی خود و برادران خود را به خانوادهٔ سلطنتی شاه امان الله نزدیک سازد، و تقاضای ازدواج خواهر امان الله خان رابه برادرش هاشم نمود، امان الله خان این تقاضا را رد کرد و گفت که من خواهر خورابه زنی مزدور نمیدهم ! وبعدا دانسته شد که هاشم از نگاه جنسی خشی بود ! دشمنی نادر با امان الله خان به اندازهٔ بود که لوح یاد گاری را که امان الله خان به افتخار استقلال افغانستان نوشته ودر طاق ظفر بغان نصب کرده بود، نادر آنرا تخریب کرد، ویجای آن لوحهٔ دیگری نصب کرد و در آن نام خود را درج کرد. باری عبدالرحمن خان قصر یاد گاری در شهر آرای کابل، در آنجا که معاهدهٔ خروج انگلیسها را امضانموده بود، آباد کرد تا نشانهٔ شادمانی برای خروج عساکر انگلیس باشد، و در آن محل که قرار گاه انگلیس بود، جادهٔ عامه اعمار کرد تا همیشه پایمال قدم های عام مردم باشد. اما نادر به استشارهٔ انگلیسها آن قصر را بطور مرموزی آتش زد و آن جاده را ویران کرد، وهرگز نه خود ونه فرزندش به ترمیم آن قصر پرداختند، تاخوشنودی ورضایت انگلیسها را حاصل کرده باشند، به قول مردم کابل آنوقت :

نادر غدار که استقلال ما برباد کرد
خاطر مامای خود، انگلیسهارا شاد کرد !

یار زنده وصحبت باقی ان شاء الله (دنباله دارد)

معرفی کتاب (دنباله از صفحهٔ چهارم)
هر که کارد قصد گندم باشدش
گاه خود اندر تبع می آیدش
که بکاری بر نیاید گندمی
مردمی جو ! مردمی جو ! مردمی !
من دیوان یاکلیات شمس تبریزی رانیز خواندم که در یک صفحهٔ درخشندهٔ آن گفته است :

آن کس که ز تو نشان ندارد
گر خورشید است آن ندارد
ما بر در و بام عشق حیران
آبام که نـسـرد بان ندارد
دل جو جنگ است وعشق زخمه
پس دل به چه دل فغان ندارد
امروز فغان عاشقان را
بشنو که تو را زبان ندارد
هر ذره پر از فغان و ناله ست
اما چه کند، زبان ندارد

وقتی این ابیات شکست یی صدای دل شیدا رادر نوای ملکوتی چنگ دلنواز مولوی خواندم و انعکاشش را با گوش جان شنیدم، یادم از قطعه شعر چنگ گسستهٔ شاعر شیوا یبانی آمد که سروده است :

ای چنگ گسسته نغمه کن ساز
باروح شکسته شو هم آواز
آن سان بسرا که من کنم فهم
بیگانه مباد واقف از راز
گه که تو بگو بر زبان شوق
زان عشق نهان لطفیه ای باز
دل رفت و یخون نشسته بر گشت
ای کـشـاش نرفته بود از آغاز
چون تار تو قلب من گسسته ست
زین قلب گسسته نغمه ای ساز
همچنان من دیوان پریان حافظ شیراز را خواندم که سروده است:
دل می روز درستم صاحب دلان خدارا
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا (ص ۷)

بازگشت همه به سوی اوست

–وفات مرحومه کریمه جان ناصری امیر رادرسندباگو، به خانواده های محترم ناصری، امیر، ارجمند وعلومی صمیمانه تسلیت میگوئیم.
امید

تفکیک وقوع حوانات (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

به ظاهر خان استند قریب دادند وازنرو بسیاری مناطق بدون مقاومت بتصرف طالبان در آمد، البته بجز مناطقی که قوماندانان ووالیان شان ازطرف طالبان و دیگران خریده شده بودند)، ۱۲سپتمبر طیاره های دولتی جلال آباد را بمبارد نمود و ۱۵۰ نفرقتل رسید، ۱۸ سپتمبرقوای دولتی یک حملهٔ طالبان رادرغرب کابل بعب راند، ۲۶سپتمبرپایشرفت وداخل شدن طالبان درنواحی شرق کابل، قوای دولتی به تخلیهٔ شهر کابل شروع میکنند، وبتاریخ ۲۷سپتمبر کابل بتصرف طالبان میآید وروزهای تحس تر برای کابلیان شروع میشود۴۶.

۴ اکتوبرقوماندان مسعودبنظور حفظ ونگهداری میدان هوائی بگرام درشروع درهٔ پنجشیر وبعددر کوهدامن دربرابر طالبان به حملات آغاز کرد. ۱۱ اکتوبرقوماندان مسعود، جنرال دوستم واستاد کریم خلیلی ازوحدت۱ اتحاد دفاعی۱ را دربرابر طالبان پیریزی مینمایندوچنگ در ۲۰کیلومتری کابل درجریان است. ۱۳ اکتوبرقوماندان مسعود دو باره چاریکرو جبل السراج رابدست میآوردودرین جنگ صدهاطالب کشته شدو ۴۰۰ نفرطالب اسیر گرفته میشود. ۱۶ اکتوبر قوای دوستم بطرف سالنگ بحرکت میافتد وقوماندان مسعودبه طالبان اطلاع می دهد که جهت جلوگیری ازخونریزی کابل راترک نمایند. در ۲۳ اکتوبربرای اولین بارقوای احمدشاه مسعود ودوستم درده سیر ۲۵ کیلومتری شهر کابل باهم یکجا میشوند، شش روز بعد در ۲۹ اکتوبر طالبان جهاد را علیه دوستم اعلان میکنند۴۶.

اول نومبر قوای مسعود و دوستم مشترکاً برکوتل ده سبز وخیرخانه حمله می کنند. ۶ نومبرطیاره های دوستم میدان هوائی هرات را بمباران کرد واسمعیلیخان بادو هزارعسکر وفادارخود جهت مقابله باطالبان ازایران بشمال افغانستان رسید.۹ نومبر طیاره های قوای هوائی اتحادرئیس جمهورربانی وجنرال دوستم میدان هوائی کابل را بمباران کردند. ۲۷ نومبرراپور داده شد که ۱۸,۰۰۰ نفر ازنتیجهٔ پیشرفت های جنرال دوستم ازبالامرغاب فرار کردند و درسرحد بین افغانستان وترکمستان درجستجوی پناهگاه سرگردان اند۴۶.

در روزاول دسمبر درشمال افغانستان جنگهای شدیدیبن قوای دوستم و طالبان دوام داشت. ۳ دسمبر ملل متحد ۱۳۳ میلیون دالر رابرای سال۱۹۹۷ ازکشورهای عضو جهت تهیهٔ افغانستان بشری برای مردم افغانستان تقاضا کرد. ۲۲ دسمبر درنتیجهٔ مظاهرات زنان هرات علیه طالبان قیودشبرگردی وضع ویکعهداد کشته و ۲۰۰ نفر توقیف شدند۴۶. (دنباله دارد)

فربدون مشیری

گُرگ درون

گفت دانایی که گرگی خیره سر
لاجرم جار بست پیکاری سترگ
زور بازو چاره‌ی این گرگ نیست
ای بسا انسان رنج‌سور پریش
وی بسا زور آفرین مرد دلیر
هر که گرش را در اندازد به خاک
و آنکه از گرش خورده‌رم شکست
و آن که با گرش مدارا می‌کند
در جوانی جان گرگ را بگیر!
روزیبری، گر که باشی همچو شیر
مردمان گر یک دگر را می‌درند
اینکه انسان هست این‌سان درمند
و آن ستمکاران که با هم محرم‌اند
گرگ‌ها همراه و انسان‌ها غریب

رازهای نگفته (دنباله از صفحهٔ پنجم)

چای دم میکردی تومهمان من هستی. به گریه افتاد، گفتم من هفده سال است درباغ خانهٔ محمدنعم خان کارمیکم، یک روزهم نان شانرا ندیدم، پسر مکتب راخلاص کرد، نزدسردار صاحب رفتم، که دردانشگاه تعدادی زیادی محصلین درخواست داده اند، پسر هم درخواستی داده اگر لطف کنید سفارش خطی بدهید. برایم گفتم برای بچه ات همین صنف دوازده هم زیاد است، برو پشت بسیارش دکه نگر.

میر غلام محمدغبار مؤرخ درد دیدهٔ ما که نصف عمرش دربندی خانه و تبعید گذشت، چه بجا وبادلیل نوشته. چون این خاندان دردیره دون حیره خور انگریز بودند، زندگی بخورونمیری داشتند، عادت گدا هارا با خود گرفتند. در کابل و ولایات هرجا، که خوش شان می آمد قاضی راهبه منزل خودمی خواستند، قباله را به نام خود میکردند، چه ملک شخصی مردم میبود یا ملک دولت. مثل کاریز میر، درهٔ پغمان قسمتهای ازارگ، تپهٔ تاج بیک و... که بسیاری ازاین زمین ها را دوباره می فروختند و پول هایش دربانکهای خارج سرازیر میشد. شاه ظاهر حتی درواخر عمرش(که این بار امریکائیهانام بابای! ملت نصیش کردند وبازهم خون ملت را با همراهان ومهمان های طبیلی اش سالاها میکند وبه ارزش هشتصدملیون دالرجایدهای جرشدهٔ خود رافروخت. (مستندبه رسانه های معتبر نشراتی دنیا به بانکهای خارج انتقال داد).

یک معاملهٔ خریدهشتصدجریب زمین در کاریزمیر از شاه ولی خان را توسط مرحوم صوفی زاده، شریکش حبیب الله نوری برایم گفتم. استادسیاف یک قطعه زمین را از شخص شاه دراستالف به مبلغ ۳۷ میلیون دالربرای تعمیر دانشگاهی خرید، که اتجا یک هزار محصل تدریس میشوند. وطلبداران کابلی مایاد دارند، که درواخر پادشاهی شاه ظاهر درهٔ پغمان بروی مردم باز شد.

پدر مرحوم از میراث ماندن گاوصندوق های سردار هاشم خان قصه میکرد، که جنرال عبدالملی خان رئیس هیئت بود در فابریکهٔ الم گنج جهت باز کردن آورده بودند. یک گاوصندوق پراز پول افغانی جدید و گاوصندوق دومی از مارک سوییسمانی ودالریبود، که طبق وصیت نامه اش به برادرزاده هایش سردار داؤد وسردارنعم خان تعلق گرفت. همین واقعه ازاین قلم به جریده امید در امریکا به نشر رسید که مرحوم دگروال عبدالرحیم آزاد زوی از زیان جنرال عبدالملی خان تأیید کرد.

هنگامیکه شاه به ولایت قندوز میرفت درسرحدولایت محمد سرور ناشر رئیس فابریکهٔ سپین زر(زرسفید) که مطلب از پخته میباشد، شاه راهبه مو ترخودمی نشانده وخودش دریوری میکرد. تقریباً تمام ولایت راناشر غصب کرده بود. (باملک بسازده رباتن) درولایت قندز این لواچ به چشم میرسد ید: سینمای ناشر، فابریکه ناشر، هو تل ناشر، کبابخانه ناشر و... هنگام برداشت حاصلات درصفتحات شمال مردم پنبه های شانرابرای فروش به یگانه فابریکهٔ ناشر می آوردند. (دنباله دارد)

ما چه به دست آوردیم ؟ (دنباله ازصفحهٔ سوم)

به آزای پاکستان شرقی انجامید، و کشورینگله دیش زاده شد. نهمصد هزار سرباز پاکستانی، اسیر هند شدند. ذوالفقارعلی بوتو به قدرت رسید. بوتو در اثر سفارش ملک حسین به ضیاءالحق رتبهٔ جنرالی داد واورا یک آدم ضعیف ووفاداربه خودتشخیص داد، که دربرابرش نافرمانی نمی نمود. پس از پنجسال بوتو، ضیا رابه مقام ریاست اردو ارتقاداد. بوتو ضیاءالحق را آفتقد ر حقیر می شمرد که در حضور مهمانان خارجی اورا جنرال بوزینه میخواند. پس از انتخابات ۱۹۷۷ که در آن جعلکاری زیادی شده بود، اعتراضات زیادی را برانگیخت. جنرال بوزینه (ضیاء) بوتو را بروزنج جولای ۱۹۷۷ خلع کرد وزندانی ساخت. باوجود تقاضاهای مقامات بلند کشور های جهان بشمول جمی کارتر، بوتو رابه اتهام قتل اعدام کردوسومین دکاتورت نظامی پاکستان شد.

جنرال ضیا خودرایک مسلمان پرهیزگار میدانست، باحزب سیاسی جمعیت اسلامی پاکستان نزدیک بود وتلاش ورزید اردوی پاکستان راسلامی گرداند. رژیم ضیاطرف ستایش متعصبین اسلامی قرار گرفت، مدارس دینی را ارتقا داد، شهادتنامه‌های مدارس رامعادل دیلوم های دانشگاهها ساخت. در مدت ریاست ضیا، شمار مدارس از نهمصد باب در ۱۹۷۱ به هشت هزار باب تاسال۱۹۸۸ افزایش یافت. بر علاوه ۲۵ هزار مدرسهٔ غیر رسمی هم در پاکستان فعالیت داشتند. ضیافالیتهای استخباراتی راگسترش داد، دستگاه آی اس آی درسال ۱۹۷۸ دوهزار کارمندداشت، این تعداددر ۱۹۸۸ به چهل هزار افزایش داده شد، و یودجهٔ آن به یکهزار ملیون دالرار تقا داده شد. ضیا یک پاکستان فتنه زاء، حکومت مطلقه واسلام گرا بجا گذاشت.

دیپلوماسی ضیاء:

ضیاءالحق نه تنها یک شخص محوری دردفاع از کشور خودوچنگ افغانستان بود، وی در آخرین مرحلهٔ جنگ سرد هم موقف محوری داشت، که نیم قرن برسیاست جهان مسلط بود. باوجودیکه اکنون بر او بهتان جانورخویی و دکتاتوری زده میشود، رابطه اش بافراطهای اسلامی انتقادمیشود، او دیلومات مجرب ویک ستراتژیست فوق العاده ماهر بود. این ضیا بود که ائتلاف کشور های مربوط را ممکن ساخت وجنگ ضدتهاجم شوروی رابر افغانستان برد. مجاهدین به تنهایی نمی توانستند برندهٔ جنگ باشند. تصمیم جنگ علیه شوروی یک حرکت فوق العاده بود، زیراشوروی یکی ازدوابر قدرت جهان بود. آی اس آی میدانست که جنرال اختر دریپشانی لست کی جی بی قرارداد داشت که از بین برده شود، وعامل آن انعام بزرگ دریافت مینمود. سیاست شوروی پیش از تهاجم برافغانستان موفقیت آمیز بود. و بنتام کشور نزدیک به شوروی درجنگ طولانی پیروزی بدست آورد، وامریکا موردتحقیر قرار گرفت. سقوط شاه ایران به امریکا بسیار گران تمام شد. هندطرفدارشوروی درجنگ ۱۹۷۱ پاکستان راشکست دادودر ۱۹۷۴ اسلح هستوی خود را آزمایش کرد.

نه تنهاافغانستان وهند درسال ۱۹۸۰ با پاکستان وجنرال ضیاخصومت میوزیدند، بلکه اوافادمتحدین عمده بود. باوجودیکه چین وامریکا درسال ۱۹۷۱ حمایت زبانی از پاکستان میکردند، ولی درعمل کدام کمک قابل ملاحظه نکردند. پاکستان چین رادوست دایمی، وامریکا رادوست بی ثبات ویوفا تلقی میکرد. امریکاملی نداشت دردفاع از روابط خود با پاکستان باشوروی به جنگ پیردازد. تنهاعربستان در کنار پاکستان ایستاد، مگر ازشورش سال ۱۹۷۹ در شهر مکه ترس داشت که همانندشاه ایران، کنترول را از دست بدهد.

با اینکه توازن قدرت میان پاکستان وشوروی بسیار زیاد به نفع شوروی بود، ضیا راه جنگ مخفی را انتخاب نمود، ودربرابر تهدیدات رهبران شوروی تمکین نکرد، وبه تهدیدهند ارزش قایل نشد. جنگ افغانستان راهترین موقع برای تربیهٔ جهادپهای جنگ باهند و آزادی کشمیر تشخیص داد. ضیابه حزب سیاسی رو آورد که توسط سیداولعلا مودودی در ۱۹۴۱ نام جمعیت اسلامی تشکیل شده بود، که در نظر داشت یک دولت اسلامی همسان امپراتوری مغلی هند در جنوب آسیا ایجاد شود.

ضیا دارای توانایی زیاد بود که بدون آنکه دشمن رابه جنگ وادارد، مسایل را پیش میبرد. تهیهٔ جنگ افزار لازم درجنگ افغانستان مثال توانایی ضیامیباشد. مشکل بزرگ مجاهدین از آغاز، نداشتن دفاع هوایی بود، آی اس آی موشک های زمین به هوای سرشانه بی A-7کساخت شوروی رادر اختیار مجاهدین گذاشته بود که درسال ۱۹۷۴ مصر از آنها استفاده کرده بود. A-7کدر ۱۹۸۰ موشک پیشرفته تلقی نمی شد. در آن مان موشک ستنگر Stingerزمین به هوای ساخت امریکاموثر ترین سلاح دفاع هوایی شناخته میشد که در اوایل دههٔ هشتاد ساخته ودر اختیار آی اس آی گذاشته شده بود. سفارش مقامات آی اس آی در استفاده از موشک ستنگر در داخل افغانستان، بخاطر اینکه مبدا موشکهای مذکور بدست روسهاویرانپها یفتند ودخالت پاکستان درجنگ افشا شود، ضیا ارسال موشکهارابه داخل افغانستان رد نمود. درروز ۲۵ سپتمبر ۱۹۸۶ برای اولین بار موشک ستنگر در جنگ افغانستان استفاده شدوسه فروندچرخال روسی سقوط داده شد. ترس ضیا به حقیقت پیوست، زیرا ایران ها دراوایل سال۱۹۸۷ موشک های ستنگر را از مجاهدین بدست آوردند.

جنرال ضیاء، جنرال اختر، سفیر امریکادر پاکستان وشماری دیگر از بلند پایگان فرماندهی نظامی پاکستان، که بخاطر مشاهدهٔ عملکرد یک تانک جدید امریکایی به یک محل نامعلوم رفته بودند، در اثر سقوط طیاره (سی ۱۳۰) ترانسپورتی حامل شان از بین رفتند. جنرال اسلم بیگ معاون رئیس ستاد ارتش، سقوط طیاره را توطئهٔ اتحاد شوروی و هندوستان خواند، زیرا بیانیهٔ رسمی ۱۳ اگست ماسکو تهدید کرده بود که شوروی از پالیسی افغانی پاکستان انتقام میگیرد. راجیف گاندی روز ۱۱ اگست تهدید بنمود که اگر پاکستان حمایت خود را از سیکهای هند که خواهان ایجادخالصتان میباشد، متوقف نسازد، هند مجبور به مقابله میشود.

جنرال ضیا بدون شک دشمنان زیادی داشت که شامل کی جی بی، خاد و دستگاه استخبارات هند بود. آی اس آی اشاره به سازمان سیای امریکا داشت، و دلیل آنرا تعقیب برنامهٔ هستوی پاکستان از جانب جنرال وانمود کرد. سفیر امریکا در هند ادعا می کرد که سقوط هواپیما کار موساد اسرائیل میباشد. سفیر مذکور پس از این بیان، فوراً از وظیفه سبکدوش ساخته شد. جنرال ضیادر حقیقت هم در زندگی و هم پس از مرگ منبع جنجالها بود هنوز هم موضوع مرگ وی نازل باقی میباشد. اسلم بیگ انتخابات را که جنرال ضیامیخواست در ۱۶ نومبر ۱۹۸۸ دایر سازد، در همان تاریخ براه انداخت. خانم بینظیر بوتو که پنج سال در بازداشت و دوسال از پاکستان دور بود، وبخاطر دفن برادرش که در فرانسه مرده بود، به پاکستان آمده بود، خود را نامزد ساخت وبابردن ۹۳ کرسی از ۲۰۷ کرسی پارلمان، نخست وزیر شد.

اگر ضیا زنده میبود، آیا تاریخ تغییر میخورد؟ برخی دیلوماتها دعامیکنند که بر خلاف بینظیر، ضیامیتوانست دسلیبن ویکپارچگی در میان مجاهدین پس از خروج شوروی از افغانستان، ایجاد بدارد و کابل رادر سال ۱۹۸۹ اشغال کند، و جنگ را خاتمه دهد.

افغانستان رایک کشور آلهٔ دست پاکستان سازد و پاکستان رایک قدرت مسلط برافغانستان گرداند. مرگ مشکوک وی پاکستان را از پیروزی قاذع که آرزوی او بود، باز داشت. میراث دوران ضیا هنوز هم باقی است. گزارش ۲۰۱۳ کمسیون بررسی اینکه چگونه اسامه بن لادن بصورت مخفی(ستون سوم)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر = یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر = یکسال (۱۲۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

معرفی کتاب تازه (دنباله ازصفحهٔ ششم)

من کتاب معروف افغانستان در مسیر تاریخ مورخ فقید میر غلام محمد غبار را خوانده ام که به اهتمام حشمت خلیل غبار در دیار هجرت در دو جلد به چاپ رسیده است، و در صفحهٔ ۸۳۷ جلد اول آن قطعه شعر شاعر و روشنفکر شادروان کریم زبهبی جلوه دراستای دعوت جوانان کشوره مبارزه به پیش، درج گردیده وقسماً چنین سروده است :

تا کی از جور وستم شکوه و فرباد کنيد
سعی برهم زدن منشأ یی‌داد کنيد
دست ما دامــن تان باد جوانان غیور
که ازین ذلت و خواری همه آزاد کنيد
صد هزاران چومنت آتش یی‌داد بسوخت
نه نشینید ز یاد م به دم ارشاد کنيد
فتنه انگیزخته تبعیض نــژادی در خلق
فکر آیندهٔ مملکت خود و اولاد کنيد
تا شود بر همگان امن و عدالت قایم
عالم نو زمساوت و حق ایجاد کنيد
مورخ فقید غبار در پیشگفتار کتاب افغانستان در مسیر تاریخ، که شهرت جهانی یافت وجندین بار به هزاران جلد تجدید چاپ شد، و جلد دوم به انگلیسی هم ترجمه شده، چنین میگوید: ماتاریخ گذشتهٔ کشور خود را برای این مطالعه میکنیم که اوضاع امروزی خود را صحیحتر درک نمایم، تامبارزین جوان افغانستان در حرکت به پیش، خط درست و آگاهانه اختیار نمایند، زیرا این تاریخ است که سیر تکامل یک جامعه را در روشنائی نشان میدهد.

در همین سلسله من چندین کتاب زیبا و پرمحتوای بانوی فرزانه، نویسنده و پژوهشگر ژرف نگر، ماریا دارو غبار را که در هجرت از وطن، زیر عنوانین چهره های جاویدان وهنرمندان تاریخ ساز تیاتر و آوای ماندگار زنان، تألیف نموده است، خوانده ام وبه علاقمندان مطبوعات برون مرزی ودربخش انتشارات تازهٔ نشر به وزین امید، معرفی کرده ام. از جمله کتاب(آوای ماندگار زنان) از تألیفات تازهٔ او را در دست دارم که بانوشتهٔ خودش به زنان هموطنش که باشهامت و دلیری قبل از جنگها در شرایط عقب ماندهٔ جامعه، بایماری های سنتی ویسواد مبارزه کردند، ودر شرایط جنگهای خانمانسوز، در انجام کارهای ارزشمند فرهنگی باوجود خطر جانی وحیاتی، لمحۀ درخ نورزیدند، اهدا گردیده است.

بانو ماریادارو غبار درین راستا زندگینامه های بیش از صدزن فرزانه وسخنور وشاعر وادب پرور وفعالین روشنگر گوشه های تاریک اجتماع شان، بطور نمونه های بارز وماندگار برشتهٔ تحریر آورده است، از جمله در صفحهٔ بیستم کتابش کارنامه های تریبوی وادی شاعرهٔ مرحومه بانو مخفی کابلی را به نمایش گذاشته واز شعر معروف (نالهٔ غمناک) او که چندمصرع آنرا بشما میخوانم، یادآور شده است:

مخفیا دل راجز این اندیشه نیست
کاین جهان ماتنها ددان راییشه نیست
تانگردیم آب در دیای خویش
کی شگوفان می کنیم گلپای خویش
تانسوزیم همچو شمع جان وتن
کی شود روشن چراغ انجمن
تاچو پروانه نگردیم از وفا
پس چسان این مملکت گردد صفا
تا به کی شام است نمی آید سحر
تا به کی از ناله سازد گوش کر...

عاقبت این خطۀ مهر و هنر
میشود در علم وعرفان مشتهر

خیز تا براین وطن خدمت کنیم
تاوطن را فارغ از محنت کنیم

صلح و کار وزندگی خواهد رفاه
جنبش وسازندگی خواهد رفاه

همچنان من کتاب(بانوی بلخ) عبدالرحمن پژواک، نویسنده وشاعر شهیر افغانستان را خوانده ام که مجموعهٔ زیبای اشعار او میباشند، ومن مختصری از زندگینامه وقسمتی از سروده های او رابه مشتاقان ادب معرفی کرده ام. پژواک در قطعهٔ ماندگار ش (نای خموش) گفته:

اندر ازل نوشت قضا در جبین من
کآیین من وفا بود و عشق دین من
ای رازجوی مهر وفا در سراغ حق
از رخنهٔ کمان منگر بر یقین من
بگذشت آنکه نغمۀ آزاد می سرود
هر نی که داشتی نفس آتشین من
اکنون نوای نی خموش از اسارتست

پژواک های خامۀ شور آفرین من (دنباله دارد)

یک دهه در پاکستان زندگی کرد، نشان میدهد که دوران سیاه جنرال ضیاءالحق میراث زهری، دهشت، جنایت و تعصب ضدملی بجا گذاشته است./

پرسی دارم زندانشمند مجلسی باز پرس (دنباله از صفحهٔ سوم)

که باتأسف بسیار، از آن سرچشمه هرگز آب زلالی بیرون نیامد تا عطش نیازمندان وطن را مرفوع سازد، بلکه هرچه بیرون آمد آب پرتعن، کاملاً گل آلود و همیشه زهر آلود بود، ونتیجهٔ آن رایش از هشتادسال است که ملت ستم کشیدهٔ ما با گوشت وبوست و استخوان خویش چشیده، وهرگز شفا نیافته است ! جناب آقای وزیر! چطور است که ماه آینده یک تجلیل مجلسی از خدمات صادقانهٔ اعلیحضرت غازی محمدنادر شاه شهیدسعید! منجی استقلال افغانستان! وقامت تل!، بعد هم تجلیلی مجلتر از جلالنآب والا حضرت افخم صدر اعظم کبیر سردار محمدهاشم خان، وهفتهٔ بعدش تجلیل بسیار مجلتر از جانبانپهای جلالنآب والا حضرت مارشال سردار شاه ولی خان غازی، (فاتح کابل!) هم برنامه ریزی شود، تا ارواح طلای زادگان همگی شاد گردد !!!

وجهت تکمیل مکمل! شادی آن ارواح خبیثه، پیشنهاد میشود تا وزارت محترم بخش آثار باستانی خود را وظیف نمایند تا قیر والا حضرت اشرف سردار شاه محمودخان غازی، پدردمو کراسی! را ـ که در شمال هنگام تعقیب ابراهیم لقی دستور داده بود: حتی اگر در نماز ایستاده باشم از گرفتاری طرفداران لقی به من بگوئید؛ و در آن حالت که در حضور خداوند به عبادت ایستاده بودبه اشاره انگشت دستور می فرمود تا آن یگانگان را از دم تیغ تیر کنند ـ هرچه زودتر ترمیم کرده، رواقهای ظریف را توسط استاد کارهای لایق هرات تزئین نموده، وبعد از سازمان یونسکوخواهد تا آن محل رابه عنوان بخشی از فرهنگ قارهٔ آسیا وحتی تمام گیتی، شامل لست آثار باستانی و تاریخی خود بگرداند! البته که این خدمات وزارت محترم نزد همه سازمانهای حقوق بشر قابل تقدیر و تمجید فراوان خواهد بود ! /

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.
مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.



The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 23, Issue No. 986 , November 19, 2014, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax: (703) 491-6321 Cell: 571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

PHONE # (510) 792-2629

BANK OF AMERICA

ACCT # 06636-74303

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.



PANAH CHARITY
P.O. BOX 3131
SAN RAMON, CA 94583
www.panahcharity.org
rbenish@panahcharity.org
501c (3)

مسئولان کمیسیونهای انتخابات و شکایات انتخاباتی به دادستانی معرفی شدند

۲۰ نوامبر / کابل - خبرگزاری بحدی: شورای وزیران از دادستانی کل خواستار بررسی اعتراض نامزدان معترض شده است. در یک مکتوب که کاپی آن در اختیار خبرگزاری بحدی قرار گرفته آمده: نامزدان شوراهای ولایتی از ۳۴ ولایت کشور در قطعنامه اعلام کردند که شماری از نامزدان به اساس سواستفاده مسئولان هر دو کمیسیون انتخاباتی پیروز شدند. عبدالسلام رحیمی، رئیس عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران که مکتوب را امضا کرده به دادستانی کل دستور داده تا شکایات نامه نامزدان شوراهای ولایتی مبنی بر تخطی از قانون از جانب کمیسیونهای انتخاباتی را بررسی و مورد اجراءات قانونی قرار دهد.

در همین حال، شورای انسجام نامزدان معترض شوراهای ولایتی از اقدام ریاست جمهوری برای بررسی تخطیهای مسئولان کمیسیونهای انتخاباتی استقبال کرده است. رفیع الله گل افغان، معاون مجلس سنا و یک نامزد معترض شورای ولایتی امروز پیشینه در نشست خبری در کابل گفت: از رئیس جمهور و رئیس اجرائیه که به خواست مایاسخ دادند سیاستگذار هستیم که متقلبن انتخاباتی را به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کردند. او میگوید نامزدان معترض اسناد کافی در اختیار دارند که نشان میدهد مسئولان هر دو کمیسیون در تقلب گسترده دست دارند و شماری از نامزدان شوراهای ولایتی را در بیدل پول برنده اعلام کرده اند. حسابهای بانکی وجود دارد که پول به حساب مسئولان باصلاحیت کمیسیونهای انتخاباتی ارسال شده و نیز به گفته او، صرافان شاهد این عمل هستند.

او افزود دادستانی کل روز گذشته کمیته ویژه ابرابری بررسی اسناد نامزدان در مورد سواستفاده مسئولان کمیسیونهای انتخاباتی تشکیل داده است. این نامزد معترض مدعی است، اسنادی وجود دارد که چهره های متقلب و آلوده به فساد را که بیشتر متوجه کمیسیون شکایات انتخاباتی میشود را افشاء خواهد کرد.

رفیع الله گل افغان گفت روز شنبه هفته آینده، نتیجه بررسیهای کمیته خاص دادستانی کل در اختیار نامزدان و رسانه های کشور قرار میگیرد و چهره های متقلب نیز افشا خواهند شد.

بیش از یک میلیون جریب زمین غصب شده

۱۹ نوامبر / کابل - خبرگزاری بحدی: کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری به تازگی گزارشی از غصب زمین در کشور را به نشر رسانده که بر بنیاد آن تاکنون حدود ۱٫۲ میلیون جریب زمین غصب شده و در مجموع ۱۵ هزار و ۸۳۱ تن در غصب این زمینها دست دارند، غصب زمین نسبت به گذشته بیشتر شده و دلیل آن نیز فساد گسترده در حکومت، تقاضای مردم و گسترش شهر نشینی بشمار میرود. درین گزارش به گونه مشخص از افراد غاصب زمین نام برده نشده اما بگفته مسئولان کمیته بیشترین رقم زمینها از سوی زورمندان غصب شده و در قدمهای بعدی، مقامات دولتی بشمول وزراء و ایالان، قوماندانان امنیه و نیز افراد وابسته به رهبری دولت نیز در غصب زمین به شکل گسترده دست دارند.

بما ترائی، عضو کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری در نشست خبری که به مناسبت نشر گزارش تازه دایر شده بود، گفت اراده قوی سیاسی برای جلوگیری از غصب زمین در کشور هیچگاه وجود نداشته بدلیل این که تاکنون قانون مبارزه با غصب زمین و قانونی که به اداره اراضی افغانستان کمک کند وجود ندارد، از همینرو افراد بر احتی زمینها را غصب میکنند. به گفته ترائی، هنوز قوانین افغانستان تعریفی از غصب زمین ندارد و نیز کسانی که با مقامات دولتی ارتباط دارند و بامتوانند اسناد را در محاکم جعل کنند، زمینهای بیشتری را غصب کرده اند.

درین گزارش از میان ۵ ولایت که در آن بیشترین شهرکها که طی مراحل قانونی نشده، آمده که ننگرهار با ۱۲۳ شهرک و ساحات مسکونی غیرقانونی در صدر قرار دارد و بلخ با ۸۱ کابل با ۲۳ شهرک و ساحات مسکونی در رده های بعدی هستند. به گفته ترائی، اقدامات دولت در راستای مبارزه با غصب زمین تأثیرات ملموسی را به همراه نداشته است. وزارت حج و اوقاف نیز گفته حدود ۳۲ هزار و ۸۳۸ جریب زمین وقتی که مربوط مساجد و قبرستانها بوده از سوی زورمندان و با ادارات دولتی غصب شده است. اندازه غصب زمین در افغانستان مبالغه آمیز نیست، این معضل در چند دهه اخیر بر زندگی مردم کشور تأثیر گذاشته است. این کمیته در پیامی گفت در مقابل غصب زمین باید مبارزه جدی صورت گیرد، در غیر آن تلاشهای گذشته و حال نقش بر آب خواهد شد. گزارش تازه، محاکم را امر کرفساد معرفی کرده که طی مراحل اسناد و نیز هر مرحله از توزیع زمین در مراحل مختلف آن با فساد همراه است. بما ترائی محاکم را حلقه فاسد خواند و گفت هر شهر وند افغانستان که به زمین نیاز دارد مکلف است که وارد حلقه فساد شود. گفته شده که غصب زمین به اشکال گوناگون صورت میگیرد که در ولایت بلخ نیز غصب زمینها از طریق احزاب و با دفاتر رهنمای معاملات صورت میگیرد. بر بنیاد گزارش، روشهای غصب زمین در شهرداری کابل نیز به اشکال گوناگونی صورت میگیرد از جمله زورمندان بیشترین غاصبان زمین هستند. گزارشها حاکیست که امضا و اسناد شعبات مختلف شهرداری کابل جعل میشود و اخذ پول توسط مقامات بگونه گسترده صورت میگیرد، همچنان اسناد بشمار وجود دارد که در پروژه های شهرداری کابل برخی افراد و اشخاص که مستحق دریافت زمین نبودند اما آنان، از طریق احکام مستقیم مقامات بلند رتبه دولتی زمین به دست آورده اند.

بما ترائی میگوید؛ ولایتی که قیمت زمین بلند است و یا پروژه شهری شدن آنجا گرم به پیش میرود، غصب زمین نیز بیشتر صورت گرفته است. ترائی گفت: معضله بزرگ، اکنون شهرداری کابل است، بخاطر اینکه از دهسال بدینسو ۶ میلیون نفوس در کابل زندگی میکند و حکومت نیز در مقابل نیاز مردم جوابگو نبوده و از همین رو افراد تلاش کرده تا از هر طریق به سر پناه دست پیدا کند. طی مراحل اسناد در شهرداری طولانی و با فساد همراه است. به گفته او، بررسی قضایایکی از چالشهای دیگر است که جلوگیری از زمین را گرفته نمیتواند و اداره حقوق افغانستان تنها ۵٪ قضایا را بررسی کرده میتواند. گنجایش برای ذخیره اسناد وجود ندارد و دفتر ملکیتهای ثبت زمین که در ریاست ملکیتهای شهرداری فعال است، گنجایش برای ذخیره و نگهداری اینهمه اسناد را ندارد.

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.
مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه نومبر ۲۰۱۴ ارسال دارند.

تلفون ۰۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

نظر سنجی ایشیا فوندیشن در مورد وضع افغانستان

۱۸ نوامبر / کابل - صدای امریکا: در سروی ایشیا فوندیشن تلاش شده نظریات و افکار افغانها در مورد مسایلی که در رشد و انکشاف افغانستان طی دهسال گذشته نقش داشته پرسیده شود. چونگی وضعیت عمومی، نظر مردم در مورد وضع امنیتی، چونگی وضعیت اقتصادی و کار در افغانستان، ارز یابی میزان رضایت مردم از عرضه خدمات، رضایت مردم از چونگی حکومتداری، مشارکت مردم در انتخابات، انکشاف زندگی زنان و نظریات مردم درین مورد و میزان دسترسی مردم به اطلاعات از بخشهای مهم این سروی است که در نظر سنجی به آن پرداخته شده است.

نتایج این سروی که در هشت فصل تهیه شده از سوی ایشیا فوندیشن امروز منتشر شد. این سروی در ۳۴ ولایت پس از برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهور، در ماههای جوزا و سرطان ۱۳۹۳ انجام شده است. یافته های سروی نشان میدهد که ۵۴٫۷٪ مردم در سال ۲۰۱۴ به این باور که افغانستان به سمت درست در حرکت است که به این اساس میزان خوشبینان نسبت به سال گذشته ۳ کاهش را نشان میدهد. این نظرسنجی نشان میدهد که ۳۴٪ افغانها فساد، ۲۸٫۴٪ یکاری، ۲۵٫۷۰٪ یکاری را بزرگترین مشکلات شرایط کنونی گفته اند. به اساس این سروی افغانها از افزایش حضور زنان در کارهای بیرون از خانه حمایت میکنند و ۶۷٫۸٪ میگویند باید زنان اجازه داشته باشند بیرون از خانه کار کنند. اما در عین حال یافته های هم شامل این نظرسنجیست که خشونت های خانوادگی و فرصت های کاری زنان را نگران کننده نشان میدهد. به اساس این سروی حدود دو بر سه مردم امیدوارند که نتایج انتخابات زندگی شان را بهتر خواهد ساخت، همچنان اعتقاد اکثریت مصاحبه شونده ها بر این بوده که تلاشهای حکومت در راستای مصالحه با گروه های مسلح مخالف دولت باعث افزایش ثبات خواهد شد. در این سروی با ۹۲۷۱ تن مصاحبه شده است. ایشیا فوندیشن از سال ۲۰۰۴ به این طرف نظرسنجیهای را روی مسایل مختلف در افغانستان انجام داده است .

حمله دهشت افگنان در کابل ناکام شد

۲۰ نوامبر / کابل - باختر: سه دهشت افگن که دیشب میخواستند داخل ساختمان یک مرکز خارجیه در ناحیه نهم شهر کابل شوند، توسط نیروهای امنیتی کشته شدند. جنرال محمد ایوب سائنگی معین ارشد امنیتی وزارت داخله که دقایقی بعد به محل رویداد حضور یافت به رسانه ها گفت: حوالی ۳۰/۸ شب، نخست یک دهشت افگن انتحار کننده مواد انفجاری جاسازی شده در یک موتر را در دروازه ورودی این مرکز انفجار داد و بعد سه دهشت افگن دیگر که تلاش داشتند به آن مرکز داخل شوند، پس از یک ساعت درگیری با نیروهای امنیتی کشته شدند. درین درگیری بشمول انتحار کننده چهاردهشت افگن کشته شدند و یک محافظ امنیتی زخم برداشته است.

کابل در روزهای اخیر شاهد حملات بیشتر انتحار و دهشت افگنی است و درین حمله های بیشتر افراد ملکی کشته و یا زخمی میشوند. شهروندان کابل از مسئولان امور میخواستند تدابیر جدی امنیتی را برای جلوگیری از ادامه چنین حملات موفق روشن در برابر دهشت افگنان رو بدست گیرند و آنان را به کیفر برسانند. یکن از بستگان قربانی حمله انتحاری جاده دارالامان گفت: سیاست تصرع و ملایم در برابر دشمن سنگدل و تشنه خون مردم چنین حملات را تشدید می بخشد چنانیکه تجربه سیزده سال گذشته این را ثابت ساخت .

نود و یک طالب مسلح کشته شدند

۱۳ نوامبر / کابل - باختر: نیروهای امنیتی در جریان فعالیتهای امنیتی که درپروز در چند ولایت انجام شد ۹۱ طالب را کشتند. این عملیات در ولایتهای کنر، ننگرهار، پروان، تخار، قندهار، ارزگان، غزنی، خوست، پکتیکا، فراه و هیرمند را اندازی شد که در نتیجه ۱۳ طالب دیگر هم بازداشت شدند.

پلیس ملی چهار حلقه ماین را از مرز طوات ولایت لغمان کشف و خنثی نمودند.

صندوق حمایت از ژورنالیستان تاسیس شد

۱۹ نوامبر / کابل - باختر: صندوق حمایت مالی از ژورنالیستان افغانستان از وزارت اطلاعات و فرهنگ جواز فعالیت دریافت نمود. این صندوق روز سه شنبه چهار قوس رسماً در تالار مرکزیین المللی مطبوعات افتتاح میگردد. هیئت اجراییه این صندوق شامل محمد اصف وردک بیجی رئیس، نجم الرحمان مواج معاون و ده تن از خبرنگاران از رسانه های دولتی و خصوصی در جلسه خاصی از خبرنگاران و اهل رسانه ها انتخاب شده اند.

تیم ملی ۱۹ سال باکپ قهرمانی به کابل برگشتند

۱۸ نوامبر / کابل - باختر: ورزشکاران تیم ملی کرکت نوزده سال کشور پس از کسب جام قهرمانی از مسابقات جام برتر آسیا، عصر دیروز به وطن برگشتند. اعضای تیم که در مسابقات جام برتر آسیا به میزبانی کویت اشتراک نموده بودند، با شکست دادن تیمهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی، مالیزیا، نیپال و کویت در کنار اینکه لقب قهرمانی این رقابتها را از آن خود کردند بخت شرکت در رقابت های جام جهانی کرکت را نیز حاصل نمودند .

داکتر سیدمخدوم رهین وزیر اطلاعات فرهنگ و جوانان پیروزی تیم کرکت و راهبای آن به جام جهانی ۲۰۱۶ راهبه شهزاده مسعود رئیس کرکت بورد و ورزش دوستان تبریک گفته و خواهان موفقیت های مزید ایشان در مسابقات آینده گردید. در میدان هوایی کابل از ورزشکاران تیم ملی، پرسیدا احمد گیلانی، شهزاده مسعود و ورزشکاران و علاقه مندان کرکت استقبال کردند .

واکنش تند به گفتار مشاور امنیت ملی پاکستان

۱۹ نوامبر / واشنگتن - خبرگزاری بحدی: ایالات متحده نسبت به اظهارات اخیر سرتاج عزیز، مشاور امنیت ملی و امور خارجی نخست وزیر پاکستان واکنش نشان داد. عزیز به تازگی در مصاحبه گفت گروه های تروریستی که برای پاکستان تهدیدی به شمار نمیروند، هدف قرار نمیگیرند. پاکستان تنها گروهایی را که علیه پاکستان میجنگد هدف قرار خواهد داد و گروه های تروریستی دیگر بشمول طالبان مورد هدف قرار خواهند گرفت. وزارت خارجه امریکا بدنبال این گفته ها گفت تمام گروه های تروریستی برای کشورهای منطقه و امریکا تهدید جدی به شمار میروند. پناهگاههای تروریستی که از عوامل اصلی افزایش ناامنی در منطقه است باید با تلاشهای کشورهای منطقه از بین برده شوند.

شماری از کشورهای منطقه به خصوص افغانستان همواره اعلام کرده اند که لانه های تروریسم در خاک پاکستان است و این کشور در مبارزه برای از بین بردن این لانه ها صادقانه عمل نمیکند. وزارت خارجه افغانستان نیز گفته فعالیت گروه های تروریستی در پاکستان و عدم اقدام پاکستان برای از بین بردن این گروه ها، برای کشورهای منطقه خطرناک است. حمایت پاکستان از گروه های تروریستی همواره انتقاد کشورهای خارجی را به دنبال داشته است.

مشرف با خروج نیروهای خارجی از افغانستان جنگ نیابتی پاکستان و هند آغاز شده

۱۸ نوامبر / اسلام آباد - خبرگزاری بحدی: پرویز مشرف، رئیس جمهور پیشین پاکستان میگوید بدنبال آغاز خروج نیروهای جنگی بین المللی به رهبری ایالات متحده از افغانستان، اکنون پاکستان و هندوستان، جنگ نیابتی را در افغانستان آغاز کرده اند. او از شدت گرفتن این جنگ میان دو همسایه نزدیک افغانستان هشدار داده و میگوید بدجلو این جنگ باید گرفته شود. مشرف در مصاحبه با فرانس پرس در بخشی از صحبتهایش گفت: هر دو کشور هند و پاکستان جنگ نیابتی را در افغانستان آغاز کرده؛ اما باید از این کار جلوگیری شود. مشرف ادعا کرد هند با شماری از اقوام افغانستان روابط نزدیک دارد و از همین رو پاکستان نیز تلاش می کند با پشتونهای افغانستان روابط نزدیک داشته و از آنها به نفع خود استفاده کند. او مدعی شده در جنوب افغانستان مراکز پنهانی تروریستی ایجاد کرده که افراد را پس از آموزش برای کمک بلوچهای آزادی خواه در ایالت بلوچستان پاکستان میفرستند. مشرف گفت: نفوذ روزافزون هندوستان در افغانستان یک تهدید برای پاکستان است؛ زیرا که هندوستان فعالیتهای ضد پاکستان در افغانستان انجام می دهد و در صدد تبارز یک چهره جدید افغانستان مخالف پاکستان است.

پیشتر، وزارت دفاع امریکا نیز در گزارش که به مجلس سنای این کشور فرستاد گفت پاکستان جنگ نیابتی را در افغانستان شدت داده است، این وزارت همزمان گفته بود این جنگ علیه منافع هندوستان در افغانستان صورت میگیرد. امریکا این جنگ را به ضرر صلح در منطقه و افغانستان خوانده و گفته باید اقدامات دیپلماتیک برای از سرگیری روابط عادی میان افغانستان و پاکستان هر چه زودتر روی دست گرفته شود.

مشرف از احمدزی بخاطر سفرش به پاکستان تمجید کرده و گفته آقای غنی پیش از همه به اسلام آباد رفته و برای بهبود روابط دو کشور تلاشهایی انجام داده است. او از حامد کرزی انتقاد کرده و گفته که آقای کرزی مامورین نظامی و ملکی خود را جهت آموزش به جای پاکستان، به هندوستان اعزام میکرد. در همین حال مشرف گفت روابط نیک پاکستان و هندوستان برای صلح افغانستان مهم است. بگفته او در گیربهای اخیر سرحدی پاکستان و هندوستان، تنش ها را شدت بخشیده و لازمست این مشکل، برای صلح افغانستان هموار شود .

دیدار داکتر عبدالله با رؤسای مجلسین

۱۶ نوامبر / کابل - باختر: داکتر عبدالله رئیس اجرائیه امروز با فضل الهادی مسلمیار رئیس مجلس سنا دیدار کرد که طی آن پیرامون مسائل مهم وحاد کشور بحث و گفتگو صورت گرفت. او با تاکید بر اینکه بگانه راه برای بیرون رفت از چالشهای متعدد کنونی، ایجاد اداره سالم و تحکیم وحدت ملی و جلب اعتماد مردم به حکومت وحدت ملی می باشد، رسیدگی به خواستهای برحق مردم را از اولویتهای کاری نظام کنونی عنوان نمود. مسلمیار نیز با قدردانی از تلاشهای رئیس اجرائیه در راستای ایجاد و تحکیم حکومت وحدت ملی گفت نمایندگان مردم در جرگه سنا باتمام توان و امکاناتیکه در دست دارند از برنامه های اصلاح گرایانه رهبران حکومت وحدت ملی بویژه داکتر عبدالله حمایت و پشتیبانی می نمایند. رئیس اجرائیه امروز در قصر سپیدار با عبدالرووف ابراهیمی رئیس جرگه نمایندگان نیز دیدار کرد. درین نشست تشکیل کابینه، اصلاحات در نظام و تصویب توافقنامه امنیتی از سوی پارلمان کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. داکتر عبدالله با تاکید بر اینکه همه تلاشهای برای ایجاد کابینه موفق از یکسو و ایجاد اصلاحات اساسی در قانون و تشکیلات کمیسیونهای انتخاباتی از جانب دیگر ادامه دارد، افزود که هدف اساسی ایجاد اعتماد مردم به نهادهای برگزار کننده انتخابات است و اینکه هر کسی مطمئن باشد که رای او سر نوشتش را تعیین میکند و اینکه به رای و اراده هر شهروند کشور ارج و احترام گذاشته میشود. ابراهیمی نیز ایجاد کابینه موفق و ایجاد اصلاحات در نظام و تشکیلات کمیسیون های انتخاباتی را از آموذمهای اصلی فرا راه حکومت وحدت ملی خواند و تاکید کرد با تصمیم قاطع رهبران حکومت وحدت ملی و بویژه کشور از چالشهای کنونی نجات خواهد یافت و صلح پایدار تا مین و وضع بهبود خواهد یافت.